

### دوران بازیهای پشت پرده

بسر آمده مردم باید از همه رویدادهای کشور آگاه باشند

در صفحه ۳

## همه بخشهای اقتصادی کشور در سرگردانی بسر میبرند

بودجه سال جاری و عملکرد بودجه گذشته را اعلام کنید



دن کیشوت بغدادی!!

جریان دارد و آگاهی از آن برای همه ضرورت دارد بودجه، نه همان که چگونگی جریان حیات اقتصادی را نشان میدهد سیاستهای اساسی اقتصاد را هم معین می‌دارد و موضع هر بخش اقتصادی را مشخص می‌سازد. بدون معین بودن چگونگی هزینه‌های دولتی که در پوشش بودجه نهفته است، هیچ بخش اقتصادی نمی‌تواند تکلیف قطعی خود را روشن کند. اگر بودجه در شکل نهایی و قطعی خود تنظیم و تصویب و به کار گرفته نشود، همه بخشهای اقتصادی، سرگردان و بی‌تکلیف خواهند ماند و بی‌تکلیف و سرگردان گذاشتن همه بخشهای اقتصاد کشور، گناهی است بزرگ. به معنای تعطیل اقتصاد کشور است. در صفحه ۵

بودجه، آئینه تمام نمای حیات اقتصادی کشور است. به لحاظ آنکه همه زمینه‌ها و رشته‌های اساسی اقتصاد در اختیار دولت است

پیش‌بینی‌ها و تصمیم‌های دولت بر خرج کردن که در بودجه انعکاس می‌یابد بازگوکننده بیشتر فعالیت‌های اقتصادی است که در کشور

## دگرگونی نظام آموزشی، به حرکت‌های ضد دانشجویی نیاز ندارد

پیوندهای لیرالت  
ری‌دگرگونی در کتب  
تورپریستش میکنم ولز تواری میجوییم

### هم میهنان، دانشجویان

در بحبوحه‌ی اوج‌گیری پیکارهای ضدامپریالیستی ملت ایران که توطئه‌های آمریکای جهان‌خوار و دولتهای دست‌نشانده تبهکارش، هر روز افزایش می‌یابد و دامنه‌ی ویران‌سازیهای دشمن به درون میهن ما نیز کشیده شده است، ناگهان، دو مرکز آموزش عالی در تبریز و بابلس به دنبال سخنرانی‌های نفاق‌افکنانه دچار تشنج می‌گردد و به اشغال هر دو بوسیله‌ی بخشی از دانشجویان و سرانجام تعطیل آنها می‌انجامد و به فاصله‌ی دوسه روز دانشگاهها و مدرسه‌های عالی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور به کانونهای رودررویی فرزندان ایران باهم، تبدیل می‌شود.

در این میان در نیمه روز جمعه بیستونهم فروردینماه، شورای انقلاب با صادر کردن اطلاعیه‌ای، اصرار می‌ورزد تا «هر چه زودتر دگرگونی‌های بنیادی در نظام آموزشی عالی بوجود آید» و برنامه‌ی سه‌روزه‌ی اعلام می‌دارد که بیشتر در رابطه با برچیدن «ساتدهای عملیاتی گروههای گوناگون» در مرکزهای آموزش عالی و تاریخ شروع تعطیل تابستانی آنها، می‌باشد که در یک بخشنامه‌ی عادی هم، می‌شد گنجانده شود.

روز شنبه سی‌ام فروردینماه، تشنج در دانشگاهها و مدرسه‌های عالی سراسر کشور افزوده گردید و کار به زدوخوردهای خونین کشید و صدها دانشجو زخمی و حتی چندتن کشته شدند.

در شامگاه این روز خونین باز هم شورای انقلاب، اعلامیه‌ای صادر و بی‌هیچ اشاره‌ای به برخورد‌های تأسف‌باری که همه مردم را نگران ساخته است، دستور تخلیه مرکزهای آموزش عالی از دانشجویان و سپردن «حفظ امنیت» به کمیته مرکزی را داد.

در صفحه ۶

## حقوق تاریخی ایرانیان در خلیج فارس

انقلاب اسلامی ملت ایران و جانشینان دزدان دریائی

خلیج فارس دریای بزرگی است که در جنوب ایران و غرب اقیانوس هند قرار دارد این دریای سبزگون و پربرکت دارای مساحتی بیش از ۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد و عمق آن میان ۲۵ تا ۹۱ متر محاسبه شده است. طول این خلیج از بندر خرمشهر تا تنگه هرمز در حدود ۱۲۹۰ کیلومتر میباشد پهنای آن در فراعین جا (بندر بوشهر تا بندر قلیف) ۶۴۰ کیلومتر و در تنگ‌ترین مکان کمتر از ۱۱۰ کیلومتر سیان گردیده‌است.

نهرهای متعددی به این خلیج میریزند که مهمترین آنها دجله و فرات است که بهم می‌پیوندند و بنام «شط‌العرب» وارد خلیج فارس میشوند.

بررسی‌های اقلیمی و زمین‌شناسی نشان میدهد که ساحل شمالی خلیج فارس هر سال ۵۶ متر و در هر قرن بیش از ۵۰۰ متر در آب پیشروی دارد و بدین اعتبار زمانی بین‌النهرین و همه کشتزارها و سکونتگاههای آن زیر آب بوده‌است و بسیاری از شهرهای کهن این منطقه تاریخی جهان با احتمال زیاد از بندرهای آن دریای بزرگ بشمار میرفتند. در سه‌طرف این خلیج از قدیمترین ایام تا زمان معاصر بندرهایی وجود داشته‌اند که

در صفحه ۴

### نهیست کارگری را از قفس تنگ کارگاهها رها باید کرد

نهیست کارگری و روندوریشمهای آن بیشتر شناخته شد، بطور خلاصه «نهیست کارگری عبارت از پیوند نظم یافته و پایداری است که کارگران در بین خود به وجود می‌آورند و آن را نگاهبانی می‌کنند تا به وسیله آن حقوق و منافع شغلی و حرفه‌ای و صنفی و اخلاقی خود را مشخص وصول و حراست کنند». نهیست کارگری بر اثر تلاش آژیتاتورها یا نفوذ عوامل سیاسی پدیدار نمی‌شود، نهیست کارگری محصول طبیعی رشد اقتصاد صنعتی است. نهیست کارگری واکنش طبیعی کارگران در برابر روند ناموزون سرمایه‌داری است.

نهیست کارگری از آغاز در صفحه ۲

## مزدوری

سر نوشت انسان آزاد، نیست

### دوستی یابردگی

اروپای غربی بر دو راهی تاریخ

فرانز زوف اشتراوس یکی از شخصیت‌های سیاسی آلمان غربی در معرفی کشور خود گفته است «آلمان یک غول اقتصادی و یک گوزاد سیاسی است» نخستین غیبت دو گل و بینش سیاسی او از صحنه سیاستهای اروپای غربی، این خصلت تاریخی آلمان بعد از جنگ را به همه کشورهای عضو بازار مشترک سرایت داد و بازار مشترک اروپا را به صورت یک قدرت اقتصادی فزاینده ولی عاری از توانائی‌های سیاسی در آورد. امضای پیمان اتحاد اتلانتیک شمالی در آوریل ۱۹۴۹ فضای تازه‌ای در افق سیاسی اروپای غربی پدیدار کرد. در این فضای کشورهای اروپای غربی هستی یافتن دو ابر قدرت و یا دو مرکز اساسی قدرت را به طور رسمی تأیید کردند باز به طور رسمی خود را از داشتن سیاست مستقل ناتوان و شاید هم بی‌نیاز اعلام داشتند.

امضای پیمان اتحاد اتلانتیک شمالی آغاز دوره خواب زمستانی دیپلماسی اروپای غربی بود. اروپای غربی آشکارا خود در صفحه ۷

## درهای دانشگاهها باید بروی همه فرزندان ایران گشوده باشد



# نابرابری و تبعیض در برابر قانون!!

## وضع نیروی انسانی اساسی ترین دشواری کشاورزی ایران است

وقتی سخن از کشاورزی برده می شود شاید بسیاری از مردم چنین تصور نمایند که با دادن طرح یا بهتر گفته شود پیشنهاد معاون وزارت کشاورزی و عمران روستایی در مورد مسئله زمین بشواری انقلاب که در نوع خود تاکنون سومین پیشنهاد یا طرح میباشد و طبق اطلاع چهارمین آن نیز در دست بررسی است مشکل کشاورزی ایران حل شده و با تصویب و اجراء چنین طرحی نارسائیهای این بخش از اقتصاد کشور رفع گردیده است.

طبیعی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران تغییرات بنیادی سیستم اقتصادی، صنعتی و کشاورزی باید در جهت از بین بردن و نقی استعمار انجام پذیرد و دستاوردهای سیاسی انقلاب اگر از طریق تغییرات بنیادی در مجموعه سیستم اقتصادی تقویت نشود حاکمیت ملی و حکومت مردم پر مردم مملکت بیش نخواهد بود و چنین سیستمی بتدریج جای خود را مانند گذشتهها به سیستم حاکمیت صاحبان سرمایه خواهد داد، دگرگونی ذات انقلاب است و این دگرگونی ضروری میباید با برنامه ریزی صحیح، طرح و اجراء گردد.

پس از انقلاب بمنظور رسیدن باین هدف به کشاورزی که جای بزرگی در اقتصاد ملی دارد اولویت و ارزش خاصی داده شد و درباره حل دشواریهای آن و رسیدن بخود کفائی نسبی سخن بسیار میان آمد ولی از روز نخست احساس میگردد که اجراء برنامه نیاز به قاطعیت و عمل دارد نه شعار و حرف. زیرا از بین بردن زمینداری بزرگ و قرار دادن این زمینها و واحدهای کشاورزی در اختیار خوش نشینان و دهقانان بی زمین و ایجاد امکانات تولید و دادن رفاه به روستائیان و نگاهداری و اشتغال نیروی انسانی در این بخش از اقتصاد کشور، کار سادهای نیست که با سخن پردازی انجام شود، باید بیش از هر چیز روشن گردد که سیاست کشاورزی چیست و راه پیاده کردن این سیاست کدام است؟!

آیا با تصویب طرحها و پیشنهادهای و معین نبودن روشهای تولید و رفع نمودن نیازهای رفاهی نیروی انسانی در این بخش چگونه میتوان بر این همه نارسائی که نتیجه قرنهای استعمار انسان از انسان میباشد پایان بخشید و چگونه باید راه بازگشت روستائیان، کوچ کرده را از شهر بده هموار ساخت و بجه طریق نیروی انسانی موجود را در بخش کشاورزی نگاهداشت و شوق تولید و علاقه بکار را در آنان دوباره بیدار نمود.

نارسائیها و نابسامانیهای کشاورزی ایران چنان بعد گذردای دارد که نمیتوان همه آنها را یکجا تجزیه و تحلیل و راه حل هائی پیشنهاد نمود و ناگزیر باید هر بار به

گوشه کوچکی از آن پرداخت، در این نوشتار بیان دشواریهای بخشی از نیروی انسانی شاغل در کشاورزی مورد توجه می باشد. طبیعی است که با تغییر سیستمهای سنتی زراعت و دامپروری و جایگزینی ماشین و ایجاد روشهای نودرگاشت و داشت و برداشت و بخصوص در آبیاری و نیز در دامداری و دامپروری و پرورش طیور و باغداری، کشاورزی سنتی چهره دیگری بخود گرفته است و کشاورزی با عنصر جدیدی بنام کارگر و دستمزد بگری روبرو میباشد که در گذشتههای دور و نزدیک بصورت کنونی وجود نداشت و کشاورزی سنتی فقط خوش نشین را میشناسد که بنحوی در تولید مشارکت داشت و روابطی بمانند استعمار انسان بر انسان در تمام قرون بر او حکومت مینمود که وجود این روابط و کوشش در نابودی آن خود باعث تمام نهضت های دهقانی در دنیا گردید. با تغییر چهره کشاورزی سنتی در ایران نیز مانند همه کشورهای قشر جدیدی در بخش کشاورزی شاغل شد که فقط در مقابل دریافت دستمزد کار مینمود حال ممکن بود که قسمتی از این دستمزد نیز بصورت جنسی باشد و بسیاری کسانی که بدینصورت جذب واحدهای تولیدی کشاورزی گردیدند و در رشتههای گوناگون تقلید مانند محصولات کشاورزی مشغول شدند.

تعداد این کسان بشمار است اگر از تعداد کارگرانی که در بخش صنعت کار میکنند بیشتر نباشد کمتر نیست ولی چون آمار دقیقی در این مورد موجود نمیشد بطور صحیح نمیتوان تعداد آنان را بیان نمود آمارهای ناقص گذشته رقمی برابر دو تا دو نیم میلیون را نشان میدهد که به یقین تعداد آنان خیلی بیشتر از این می باشد باید بررسی نمود که وضع زندگی این انبوه بزرگ

از مردم ایران چگونه است، آیا تاکنون از حمایت دولت برخوردار بوده اند، آیا روابط اجتماعی و اقتصادی، آنان را با کارفرما چه قانون تنظیم میکند، آیا آنان هنوز هم دست بسته در اختیار کارفرمایان بخش کشاورزی هستند و بدون هیچگونه تنظیم روابطی؟؟ آیا مانند کارگران بخش صنعت و حرف از مزایای قانون کار برخوردارند، آیا مسئله دستمزد، تأمین اجتماعی، حق اولاد، مسکن و خوار و بار و سایر مزایای رفاهی به آنان تعلق میگردد، آیا ساعت کار مرخصی و تعطیلات معین دارند و بطور کلی زیر پوشش چه قانونی قرار دارند؟؟

رژیم منفرود گذشته که همیشه برای استحکام اصول سرمایه داری و زمینداری در ایران کوشش فراوانی داشت وجود این سپاه عظیم راحساس مینمود و برآی دستمزد ضروری بنظر نمیرسد؟!

و هنوز کوشش میشود که تعیین دستمزد در این بخش بکارفرما واگذار گردد و هیچگونه کنترل و نظارتی در این امر بمعده دولت نباشد.

این یکی از بزرگترین نقائص کار دولت در دوران سازندگی انقلاب است که تبعیض و نابرابری را در مورد این ستم دیدگان معمول میدارد و در سایر مسائل رفاهی، نیز چنین است، تأمین بیمه های اجتماعی که حق دانسته هر کارگر و هراسانی است شامل کارگران کشاورزی نمیکردد قانون بیمه های اجتماعی که خود به نوشتار دیگری نیاز دارد بسیار نارساست و در اینجا فقط در ارتباط با موضوع بحث بدان اشاره میشود. در قانون ناقص کار کشاورزی بیان شده است که کارگران کشاورزی نیز شامل قانون تأمین اجتماعی میگردد ولی این مطلب از روی کاغذ خارج نشده و مرحله عمل در نیامده است و بدینصورت اجراء میگردد که تنها واحدهای کشاورزی که در محدوده شهرها قرار دارند شامل قانون بیمه اجتماعی بوده یعنی با پرداخت ۲۷ درصد حق بیمه از طرف کارگر و کارفرما این قانون شاملشان خواهد شد ولی واحدهای کوچک و بزرگی که در محدوده شهرها قرار ندارند شامل قانون دیگر بنام بیمه روستائیان و کشاورزان هستند ولی متأسفانه بجز چند شرکت سهامی زراعی که خود داستان دیگری دارد نمیتوان حتی یک نمونه ذکر کرد که کارگران واحدهای کشاورزی بیمه شده باشند

ولی در همه جا کارگر تحت حمایت قانونی دولتها قرار دارد، دولتها در مسئله دستمزد، بیمه و سایر مسائل رفاهی همه کارگران قوانینی وضع نموده و آنان را در جهت تولید حمایت مینمایند. بررسی کوتاهی بوضع این نوع کارگران در ایران بیانگر آن است که در اصولی ترین مسئله یعنی دستمزد نیز این جماعت عظیم زیر پوشش حمایت دولت قرار ندارند، مسؤولین وزارت کار و امور اجتماعی با مشارکت ارگانهای دیگر هر ساله حداقل دستمزدی برای کارگران بخش صنعت و حرف معین مینمایند

این حداقل دستمزد مطابق قوانین موجود شامل کارگران بخش کشاورزی نمیکردد، در نظام بوسیده گذشته روال تعیین حداقل دستمزد چنین بود متأسفانه پس از انقلاب نیز چنین است با توجه باین موضوع که نیروی انسانی اساسی ترین مشکل کشاورزی را تشکیل میدهد بخصوص برای کشاورزانی که

مانند ایران که کشاورزی در حد صحیح مکانیزه نشده است و ناگزیر بخش بزرگی از مردم میهن ما بنام دستمزد بگیر و کارگر در بخش کشاورزی باید اشتغال داشته باشند، چگونه است که برای تأمین معیشت این مردم و برابری آنان در مقابل قانون فکر اساسی نمیشود. حال که ناگزیر باید گروه عظیمی از نیروی انسانی ملت ما در این بخش شاغل باشند چگونه است که برای شاغلان در بخش صنعت و حرف تعیین حداقل دستمزد میگردد و تشخیص داده میشود، کارگری که در بخش صنایع، دروپنجره و کولر میسازد تعیین حداقل دستمزد برآی او ضروری است ولی برای کارگری که برای مردم شیر و گوشت و مرغ و تخم مرغ و ماهی و فرآورده های درختی تهیه میکند و حتی یکروز دسترسی نداشتن به آنها زندگی مردم را مشکل میسازد تعیین حداقل دستمزد ضروری بنظر نمیرسد؟!

ستمهایی را که بر کارگران در جریان رشد صنعت، رفته است، برشمرد و در برابر آنها ایستادگی کرد، نظام صنعت در متن اقتصاد آزاد شرايطی را بر کارگران تحمیل می کرد که با جدول ارزشهای انسانی منطبق نبود. نظام صنعت در متن اقتصاد آزاد، بر اساس به دست آوردن سود بیشتر قرار داشت، و به دست آوردن سود بیشتر چنین اقتضا داشت که کالاها ارزانتر تولید شود و گرانتر به فروش برسد.

ولی فروش گرانتر کالاها به لحاظ وجود رقابت آزاد ممکن نبود، پس تنها راه به دست آوردن سود، ارزانتر تولید کردن شد. و ارزانتر تولید کردن به معنای کاستن از هزینه تولید است هزینه تولید از سه عامل تشکیل می شود. اولی بهای مواد اولیه، دوم دستمزد کارگران، سوم هزینه های عمومی کارگاه. بهای مواد اولیه در اختیار کارفرما قرار نداشت و برای ارزانتر تولید کردن کارفرما نمی توانست تغییری در آن بدهد ولی دستمزد کارگران در اختیار

با کمال تأسف پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت و دولت برگزیده شورای انقلاب این نقص بزرگ را در مورد بیمه کارگران کشاورزی بر طرف ننمود در مورد سایر مسائل رفاهی نیز باید بجزرات گفته شود که استعمار انسان از انسان بشدت وجود دارد. مطابق قانون کار کشاورزی موجود کارگر کشاورز باید در روز ده ساعت کار نماید و چنانچه کارفرما بخواهد تا چهارده ساعت افزایش دهد، و برخلاف کارگران شاغل در بخش صنعت که در ازاء کار اضافی سی و پنج درصد حقوق روزانه، افزایش دستمزد میگیرند ولی کارگر کشاورزی بیست درصد افزایش دستمزد دریافت میدارد که آنرا هم کمتر واحد کشاورزی است که پرداخت نماید.

کارگر کشاورزی از انسانی ترین حقوق یعنی تعطیلات رسمی که برای همه در نظر گرفته شده محروم است و در قانون ناقص کار کشاورزی پیش بینی شده که اگر کارفرما میل داشت میتواند به او تعطیلی دهد، مرخصی سالیانه کارگر کشاورزی از ماهی یکروز هم کمتر است و سالیانه نه روز برای او در نظر گرفته شده این انسان محروم حتی جسمها بدون پرداخت مزد اضافی در خدمت تولید است باید گفته شود که کشاورزی دیگر چهره کشاورزی قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم را ندارد ما دیگر در زمانی زندگی نمی کنیم که نظام استعمار انسان بر انسان حکومت کند بخصوص که موازین جمهوری اسلامی بر خلاف این نظام است

کارفرما بود و کارفرما برای ارزانتر تولید کردن، چاره ای جز کمتر مزد دادن نداشت. از طرف دیگر برای آنکه هزینه های عمومی کارگاه که بخواهد تولید سرشکن می شود، بخش سنگینی بر هر واحد تولیدی باز نکند ناگزیر میزان تولید را افزایش میدادند. تمامی اقتصاد آزاد صنعتی به دو پایه تولید زیاد و مزد کم تکیه داشت. و طبیعی است که از اجراء این دو اصل نابسامانیها و آشفتگیها پدیدار شود. مزد کم به معنای بیشتر کار کشیدن و کمتر مزد دادن است. و تولید زیاد مستلزم گشاده تر کردن مرزهای فروش و تسخیر بازارهای تازه است اجراء این رهنمودها، استعمار سرزمین ها و رواج دادن عادات های مصرفی از یک سو و تیره روزی اکثریت بزرگ مردم کشورها و همه کشورها که بصورت کارگر صنعتی در آمده بودند از سوی دیگر به دنبال داشت. تیره روزی کارگران همراه با افزایش تولید بود، و افزایش تولید، تراکم انسانها را در فضای

دیگر در زمانی زندگی نمی کنیم که کشاورزی خود را چندین دهه یا صده عقب نگهداشته و نظام تولیدی برقرار سازیم که نه تنها انسانی نیست بلکه بعلت نیاز بمواد غذایی روز بروز وابستگی ما را به خارج بیشتر نماید. زمان آن رسیده که دست اندر کاران حکومت صادقانه بپایندیشند و تصمیمات خود را با نظر خواهی صاحب نظران اتخاذ نمایند. سخن کوتاه، زمان آن رسیده است که بفکر این گروه عظیم کارگران کشاورزی بود چگونه میتوانیم نظام جمهوری اسلامی اینهمه نابرابری رواداریم، و چگونه میخواهید چرخهای عظیم کشاورزی را بکار اندازید و مسیبن ما را بخود کفائی نسبی رسانید، با عنایت به این همه نابرابری و تبعیض چگونه میشود بخش کشاورزی را فعال و نیروی انسانی موجود در آن را امیدوار ساخت و روستائیان و خوش نشینان را که امید واهی تهیه معیشت و دستیافتن به رفاه بیشتر مهاجرت نموده اند بسواحدهای کشاورزی و به روستاها بازگردانید. زمان آن رسیده است که کارگران کشاورزی به توجه به طبیعت کار آنان از مزایای قانون برخوردار گردند و با تدوین قانونی که کلیه کارگران این بخش را زیر پوشش حمایت خود قرار دهد تبعیض و نابرابری را از بین ببرد و ترتیبی داده شود که واحدهای کشاورزی از نیروی انسانی خالی نگردد و با اجراء برنامه صحیح، راه بازگشت کشاورزان را به ده هموار کرد.

## مزدوری سر نوشت انسان آزاد نیست

دود گرفته کارخانهها به همراه داشت و این تراکم پیوسته فزونی مبییافت اقتصاد صنعتی سرمایه داری، گروههای بزرگ روستائیان رانده شده از روستا و گروههای پریشان شده کارگران و صاحبان کارگاههای کوچک دستی را به خود جذب میکرد تا بیشتر تولید کند، و ارزانتر تولید کند، تراکم انسانها تیره روز در فضای تنگ کارخانهها برانگیختن اعتراض از جانب ایشان را بطور طبیعی به دنبال دارد کارگران در جریان حیات صنعتی به روشنی درمی یابند جز در پرتو تلاش همه گیسو اعتراض های جمعی، نخواهند توانست شرائط ناگوار کار و زندگی خود را تغییر دهند، و نیز درمی یابند که تغییر این شرائط موکول به دگرگون شدن مبانی حقوقی روابط کار است. پس تلاش کارگران به سوی دگرگون ساختن روابط کار و مبانی حقوقی آن روی می آورد ارج نهضت کارگری از همین مایه آغاز می شود کارگران با انتخاب دگرگونی مبانی حقوقی روابط

حفظ حیثیت ذاتی بشر درگر امید داشت آزادیهای فردی و اجتماعی است



## دوران بازیهای پشت پرده بسر آمد

سنگینی است. ولی آیا هیچ کار بدستی بطور جدی موضوع را دنبال کرد و معلوم گردید که در صدای جمهوری اسلامی ایران چه کسانی تیشه بدست، رخنه کرده‌اند و انتظار می‌کشند تا در بزنگاهها به ریشه‌ی انقلاب بزنند؟! در یک روز، در سه رسانه‌ی گروهی کشور پیرامون یک خبر با اهمیت آگاهی‌های سه‌گانه‌ی به مردم داده میشود!! خواننده در روزنامه‌ی بامداد می‌خواند، شمار شهیدان ارتش در برخورد دره‌ی قاسملو پنج تن بوده است. جمهوری اسلامی می‌نویسد هشت تن و خبرگزاری پارس این عده را پانزده تن اعلام می‌دارد!

آیا چه تناسبی بین این رقم‌ها برقرار است؟ منبع اطلاعات کجاست؟ و پی‌آمد اسفبار این چندگونگی چیست جز روی آوردن دوباره مردم به رادیوهای خارجی؟! در دوران سازندگی انقلاب باید مردم را در جریان همی رویدادهای کشور گذارد. باید آنچه در شورای انقلاب و در وزارتخانه‌ها می‌گذرد بی‌هیچ پرده‌پوشی به آگاهی همگان برسد، تا اگر خطایی رخ داد، از نظر مردم دور نماند. هیچ ایرانی نباید نسبت به هیچیک از کارهای کشور احساس بیگانگی کند. تنها با آشنا ساختن مردم به دشواری‌هاست که می‌توان انتظار داشت با وحدت به رفع آنها برخیزند.

آنچه نظام آریامهری را به سرنگونی کشانید، تنها وابستگی به بیگانه، دزدی و چپاول و خیانت نبود، مردم خود را در برابر آن دستگاه غریبه‌ی مطلق می‌شناختند. مبادا که در نظام جمهوری اسلامی، ندانم‌کاری، انحصارطلبی و قدرت‌جویی، کار را به همانجایی کشاند که نه تنها ایرانیان که مردم همه‌ی سرزمین‌های زیر سلطه که چشم به نتیجه‌ی انقلاب ما دوخته‌اند، دچار نومیدی خواهند گردید!

برداشت. از میان برداشتن این پدیده به یاری نهضت کارگری نیاز دارد. نهضت کارگری در داخل کارگاه خفه‌شدنی نیست. راندن نهضت کارگری به گوشه‌های کارگاه تلاشی است بی‌حاصل که از آن فقط نابسامانی، آشفتگی در تولید و درگیری‌های توانفرسا برمی‌خیزد. نهضت کارگری را از قفس تنگ کارگاه‌ها باید کرد. و در استقرار دموکراسی فرخنده صنعتی از آن بهره گرفت.

صنعتی به همه زمینه‌های زندگی فکری و اجتماعی بشر تاخت می‌آورد و اثرهای ناگوار بر این زمینه‌ها به جا می‌نهد. برای از میان برداشتن اثرهای ناگوار نظام صنعتی به نهضت کارگری نیاز قطعی وجود دارد یکی از جلوه‌های زشت نظام صنعتی، تبدیل انسان آزاد به «فرد مزدور» است. نباید اجازه داد که «فرد مزدور» سرنوشت انسانهای آزاد باشد. مزدوری سرنوشت انسان نیست این پدیده‌ی ناگوار لیبرالیسم را باید از میان

نگرانی فرو برده است. در چنین جوی، چگونه می‌توان از زنان و مردانی که اعتقادشان آسیب دیده توقع داشت، در بزنگاه به یاری انقلاب بشتابند؟! اگر همین موضوع کم‌اهمیت اعلام تصمیم‌های شورای انقلاب در نظر گرفته شود، خود نشانه‌ی گویایی از آشفتگی‌هاست. این شورا در ظاهر یک سخنگو دارد ولی در پایان هر جلسه، هر یک از اعضا می‌دهند و با کمال تأسف گاه برداشتهای یکی با دیگری تفاوت هم دارد! مردم از خود می‌پرسند برآستی در آنجا چه می‌گذرد؟ که از چونی و چندی آن هیچ خبر درستی، در دست نیست و بدیگر سخن همه می‌گویند بازی فقط بازی سیاست است!!

در گرماگرم اعلان قطع رابطه‌ی امریکا، در حالیکه برجسم خسته‌ی جامعه شور و توانی تازه دمیده شده بود و رشته‌های گسسته می‌رفت تا پیوند بخورد، ناگهان رادیو ایران در روز چهارشنبه بیستم فروردینماه در خبرهای بامدادی خود اعلام کرد که افسران ایرانی که در امریکا دوره‌ی آموزشی می‌گذرانند، همگی به آن دولت پنهاننده گردیده‌اند و شگفتا که باهمی پیگیری‌ها روشن نشد این خبر از کدام خبرگزاری گرفته شده است و در پخش آن چه غرضی وجود داشته است؟! دوشب بعد هم این افسران سرافرازانه به میهن خود بازگشتند. یونایتد پرس نیز اعلام کرد به هفت دانشجوی نظامی ایران که در انستیتوی نظامی ویرجینیا تحصیل می‌کنند، مانند سایر دانشجویان ایرانی اجازه‌ی ادامه اقامت و تحصیل داده شده است و هیچ افسری ننگ پنهان‌دگی به دولت امریکا را بر خود و هم میهنانش همواره نکرده است.

دریک نظام انقلابی، چنین عملی، خطا، به حساب نخواهد آمد تضعیف روحیه‌ی ملی، خیانت می‌باشد و در خور کیفر بسیار نبرد بزرگی که ملت ایران درگیر آن می‌باشد، نبرد سرنوشت است، عامل‌های احساسی و تبلیغی را باید با عاملهای عینی درآمیخت و هم‌آهنگ کرد تا بتوان به پیروزی امید بست و این ممکن نیست مگر در شرایطی که واقعیت‌ها عریان و بی‌پیرایه و بدون کاستی، با مردم در میان گذاشته شود.

برای پی‌ریزی نظم انقلابی برپوران‌های کاخ فرو ریخته‌ی دستگاه استبداد وابسته به بیگانه باید کمیت انقلابی را به کیفیت انقلابی بدل کرد و برای انجام این کار بزرگ از نیروی نهفته‌ی هر ایرانی یاری گرفت ولی نه با دروغ و سیاست بازی که با بی‌ریایی و راست کاری.

امروز تناقض‌گویی‌های سرسام‌آور و رواج بازار شایعه همه جای ایران را چنان، فرا گرفته است که هیچ حقیقتی از صافی تردید، روشن بیرون نمی‌آید. بر همه رخدادها، بر همه تفسیر و تعبیرها پرده‌ای از ابهام کشیده شده و مردم کشور را در غرقاب

تلاشهای کارگاهی زندانی نمی‌ماند و سرانجام این قفس را می‌شکند و راه تاریخی خود را دنبال می‌کند. ولی آنچه در این میان پدید خواهد آمد، تلاطم‌ها و بی‌تعدالی‌های اجتماعی و اقتصادی است که جلوه‌هایی از آن را هم اینک دریافته‌ایم. نهضت کارگری یکی از ارمانهای تاریخی نظام صنعتی است. نظام صنعتی فقط در داخل کارگاه باقی نمی‌ماند. نظام

بارها هشدار داده شده است ناآگاه نگاه داشتن مردم از آنچه در کشور می‌گذرد، بگونه‌ی کنار گذاشتن آنها از صحنه‌ی نبرد است و پی‌آمدی جز گسست و سرانجام شکست نخواهد داشت. دیگر دوران بازیهای پشت پرده، جنگ زرگری، تناقض‌گویی و دوخت و دوزهای پنهانی سرآمده است.

تظاهر به سرسختی و آشتی‌ناپذیری، در حالیکه بوی آزار دهنده‌ی گفتگوهای پنهانی و سازش در فضا پراکنده می‌باشد، باور مردم را به بازی گرفتن است. امروز ضرورت گسترش مبارزه با دشمن بزرگ و اجیر شدگانش ایجاب می‌کند که مردم از همه‌ی رویدادها، کوچک و بزرگ، نومید کننده و امیدآفرین آگاه باشند و پیوسته در برابر خبرهای گوناگون و اغلب ضد و نقیض که هر صاحب قدرت و کار بدستی به سلیقه‌ی خود می‌دهد، قرار نگیرند.

نبرد بزرگی که ملت ایران درگیر آن می‌باشد، نبرد سرنوشت است، عامل‌های احساسی و تبلیغی را باید با عاملهای عینی درآمیخت و هم‌آهنگ کرد تا بتوان به پیروزی امید بست و این ممکن نیست مگر در شرایطی که واقعیت‌ها عریان و بی‌پیرایه و بدون کاستی، با مردم در میان گذاشته شود.

برای پی‌ریزی نظم انقلابی برپوران‌های کاخ فرو ریخته‌ی دستگاه استبداد وابسته به بیگانه باید کمیت انقلابی را به کیفیت انقلابی بدل کرد و برای انجام این کار بزرگ از نیروی نهفته‌ی هر ایرانی یاری گرفت ولی نه با دروغ و سیاست بازی که با بی‌ریایی و راست کاری.

امروز تناقض‌گویی‌های سرسام‌آور و رواج بازار شایعه همه جای ایران را چنان، فرا گرفته است که هیچ حقیقتی از صافی تردید، روشن بیرون نمی‌آید. بر همه رخدادها، بر همه تفسیر و تعبیرها پرده‌ای از ابهام کشیده شده و مردم کشور را در غرقاب

تلاشهای کارگاهی زندانی نمی‌ماند و سرانجام این قفس را می‌شکند و راه تاریخی خود را دنبال می‌کند. ولی آنچه در این میان پدید خواهد آمد، تلاطم‌ها و بی‌تعدالی‌های اجتماعی و اقتصادی است که جلوه‌هایی از آن را هم اینک دریافته‌ایم. نهضت کارگری یکی از ارمانهای تاریخی نظام صنعتی است. نظام صنعتی فقط در داخل کارگاه باقی نمی‌ماند. نظام

نظام صنعتی فقط در داخل کارگاه باقی نمی‌ماند. نظام

یافتن کارگران و تلاش پیگیر و بی‌وقفه ایشان برای دریافت امتیازهای تازه استدلال‌های حقوقی لیبرال‌ها را در عمل از اثر انداخت. نهضت کارگری امضای آزادانه قرارداد کار را کافی نشناخت و امضای هر قرارداد را فقط در چارچوب معینی اجازه داد. نهضت کارگری عنصر اضطراب را در قرارداد کار از طریق حسی و عملی دریافت و به طرد آن برخاست نهضت کارگری یکی از اصلی‌ترین پایه‌های بی‌عدالتی را دست‌کم در یک زمینه نظام حقوقی جامعه بشری در عمل واژگون کرد نظام حقوقی کار یا حقوق کار نمی‌خواست خود را با عامل اضطراب آشنا کند ولی نیرومندی نهضت کارگری برانگیزه سودجویی مهارزد و لیبرالیسم را به طور مستمر از مواضع خود به عقب راند و اعلام داشت گفتگوهای یک کارگر تنها و پریشان و نیازمند با کارفرمای «بی‌نیاز و خاطر جمع» گفتگو آزادانه نیست توافق‌ها و قراردادهای

این دوتوافق و قرارداد آزادانه نیست توافق و قرارداد آن گاه آزادانه است که دوطرف امضاءکننده از نیروی برابر و نیاز برابر برخوردار باشند. نهضت کارگری در عمل این اصل را دریافت که آزادی به معنای رفع موانع‌های قصد و رضانیت، آزادی به معنای رفع عامل‌های آفریننده نیاز و هراس است. نهضت کارگری در این گام بلند خود، حقوق کار را به مغز گردگرفته نظام حقوقی امپریالیسم فرو کرد. ولی هنوز لیبرالیسم با راندن حقوق کار به بخش حقوق خصوصی به مقاومت باید در مبارزه ثمر آفرین خود این مقاومت بی‌حاصل را در هم شکست مقاومت‌های لیبرالیسم، توانسته است تا حدودی دموکراسی را در صنعت برقرار دارد ولی تا استقرار دموکراسی کامل در صنعت راه درازی در پیش است و پیمودن این راه برعهده نهضت کارگری است. نهضت کارگری پس از برقرار کردن دموکراسی در صنعت می‌باید به

پدید آوردن دموکراسی در زمینه‌های دیگر حیات اجتماعی بپردازد. برکنار کردن نهضت کارگری از این رسالت شگرف و تاریخی خود، ضربه‌ای ناگوار بر پیشرفتهای حقوقی و اجتماعی ملتها است.

آنان که می‌کوشند نهضت کارگری را به حرکتی کوچک و محدود در چارچوب کارگاه تبدیل کنند، ندانسته در راه پیشرفت جامعه بشری موانع می‌تراشند. گویانکه این موانع برقرار نخواهد ماند و نهضت کارگری دیرگاهی در قفس تنگ

والیسم حکومت را هرچه ناتوانتر و «فردآزاد» آدمی را هرچه آزادتر و مختارتر می‌خواهد. اندیویدوالیسم مبانی فلسفی برای استدلال‌های حقوقی لیبرالیسم فراهم می‌آورد و هر دو با کمک هم کنسرتی به راه انداخته‌اند که طنینی پس ناگوار در فضای تاریخ پدید آورده است لیبرالیسم با استقرار در دیدگاه‌های آزادی‌های حقوقی و با یاری جستن از مایه‌های فلسفی اندیویدوالیسم خود را بشارت دهنده دموکراسی و آغاز کننده دموکراسی اعلام داشت لیبرال‌ها خودشان، خود را حامیان و بنیادگذاران دموکراسی معرفی کردند.

ولی در دموکراسی همانقدر از لیبرالیسم فاصله دارد که سیدی از سیاهی لیبرالیسم بشارت دهنده دموکراسی نیست. آواز لیبرال‌ها، آواز آزادی‌های حقوقی نیست. لیبرالیسم نخواست بی‌توانست دریافت که آزادی‌های حقوقی و آزادی قراردادها، بر قدرت برابر دوطرف قرارداد اتکا دارد لیبرالیسم در آواز آزادی قراردادها، به دو عنصر اصلی «قصد» و «رضای» تکیه کرد و حاصل آمدن «قصد» و «رضای» را برای اعتبار قرارداد کافی دانست. لیبرالیسم نخواست بی‌توانست دریافت که قراردادهای اضطرابی و اساساً هرگونه معامله اضطرابی باطل است. لیبرالیسم با احتجاج‌های حقوقی نادرست، عنصر اضطراب را از نظام حقوقی خارج دانست. و هیچ قرارداد یا معامله‌ای را اضطرابی نشناخت. ضعف اساسی نظام حقوقی آزاد لیبرالیسم در هم اینجا است بخش قابل ملاحظه‌ای از تعهدات «فردآزاد و صاحب عقل» در عین قصد و رضا از اضطراب سرچشمه می‌گیرد و قرارداد یا معامله اضطرابی را محترم شمردن روانیت، محترم داشتن چنین قراردادی با شخصیت و حیثیت ذاتی انسان مغایرت دارد. ما در گفتارهای دیوید لیبرالیسم

درماندگی‌های فکری لیبرالیسم ناب و دغلیبازی‌های حقوقی آن و نارسائی‌های فلسفه لیبرالیسم آن را بی‌ساز خواهیم نمود. اما در اینجا به همین اندازه بسنده می‌کنیم که قرارداد اضطرابی را قابل قبول و محترم نمی‌دانیم. نهضت کارگری، با تشخیص درست خود، نظام حقوقی آزاد لیبرالیسم را به مبارزه خواند، نهضت کارگری در عمل دریافت که استدلال‌های حقوقی لیبرالیسم با حقایق زندگی تطبیق نمی‌کند پس در مقام مبارزه با آن برخاست و در این راه از قدرت بسیار خود در ضربه زدن برسودهای غیر عادلانه آقایان لیبرال‌ها بهره گرفت سازمان

کار به عنوان هدف حیات اجتماعی تازه‌ای قدم می‌گذارند و افقهای تازه‌ای در برابر نیروهای مترقی جامعه باز می‌کنند.

لیبرالیسم ناب، با تکمیل دادن به قدرت تحرک و سرعت تصمیم‌گیری بخش خصوصی و وزن دادن به انگیزه سود رقابت آزاد و آزادی قراردادها را آیمهای مقدس نظام صنعتی اعلام می‌دارد و گذشت از آنها را در هم شکستن حقوق بشری «تلقی می‌کند و می‌خواهد آزادی‌های حقوقی که آزادی قراردادها یکی از اساسی‌ترین آنها است، حاکمیت بی‌تردید و فراگیر بر همه روابط گوناگون مردم بیابد، آزادی قراردادها که خواسته اصلی لیبرالیسم ناب است، به معنای رو در رو گذاردن هر کارگر در برابر کارفرماست. کارفرما و کارگر به عنوان دو ارگان حقوقی آزاد تلقی می‌شوند که حق دارند «آزادانه» زداد کار منعقد کنند، و هرگاه چنین قراردادی «آزادانه» به امضا دو طرف رسید احترام و اجرای آن بر هر دو طرف لازم و قطعی است، لیبرالیسم ناب وارد شدن هر نیروی خارجی را در گفتگوی دو طرف، کارگر و کارفرما خدشهای بر آزادی‌های حقوقی می‌انگارد و از پذیرفتن آن سر می‌پیچد لیبرالیسم ناب با تکیه بر مبانی آزادی‌های حقوقی و مکتب فلسفی اصالت عقل

(راسیونالیسم) هیچگونه دخالتی را در تنظیم قرارداد کار روا نمی‌شمارد. قرارداد کار را یک واقعه حقوقی و به سود دوطرف قرارداد می‌پندارد و جایی برای دخالت‌های نیروی دیگری در بان نمی‌بیند. نغمه‌های لیبرالیسم ناب را، ساز اندیوید والیسم همراهی می‌کند اندیوید والیسم با ساخت هر فرد انسانی به گونه‌ی موجودی با اصالت و بهره‌مند از موهبت عقل، او را در اخذ تصمیم و تعیین راه و رسم زندگی و سرنوشت خویش آزاد می‌خواهد. اندیوید والیسم با پیش کشیدن «اصالت فرد» و «توانائی‌های عقلانی فرد» و تلاش طبیعی هر فرد برای تامین نیک‌بختی خویش «خواست و تصمیم فردی را بسیار محترم می‌گارد. پس خواست و تصمیم فردی که در قرارداد کار آزادانه اعلام می‌گردد و به امضاء می‌رسد، نیز محترم است.

اندیوید والیسم جامعه بشری را ترکیب شده از افراد مستقل و آزاد انسانی می‌بیند و حکومت را جلوه‌گاه قدرتها می‌داند که خواه و ناخواه بر آزادی‌های فردی محدودیت‌های بار می‌کند، از همینرو از دیدگاه اندیوید والیسم، جامعه جلوه‌گاه فضیلت‌های بشری و حکومت مظهر ردای آدمی است. اندیوید

لیبرالیسم ناب، با تکمیل دادن به قدرت تحرک و سرعت تصمیم‌گیری بخش خصوصی و وزن دادن به انگیزه سود رقابت آزاد و آزادی قراردادها را آیمهای مقدس نظام صنعتی اعلام می‌دارد و گذشت از آنها را در هم شکستن حقوق بشری «تلقی می‌کند و می‌خواهد آزادی‌های حقوقی که آزادی قراردادها یکی از اساسی‌ترین آنها است، حاکمیت بی‌تردید و فراگیر بر همه روابط گوناگون مردم بیابد، آزادی قراردادها که خواسته اصلی لیبرالیسم ناب است، به معنای رو در رو گذاردن هر کارگر در برابر کارفرماست. کارفرما و کارگر به عنوان دو ارگان حقوقی آزاد تلقی می‌شوند که حق دارند «آزادانه» زداد کار منعقد کنند، و هرگاه چنین قراردادی «آزادانه» به امضا دو طرف رسید احترام و اجرای آن بر هر دو طرف لازم و قطعی است، لیبرالیسم ناب وارد شدن هر نیروی خارجی را در گفتگوی دو طرف، کارگر و کارفرما خدشهای بر آزادی‌های حقوقی می‌انگارد و از پذیرفتن آن سر می‌پیچد لیبرالیسم ناب با تکیه بر مبانی آزادی‌های حقوقی و مکتب فلسفی اصالت عقل

(راسیونالیسم) هیچگونه دخالتی را در تنظیم قرارداد کار روا نمی‌شمارد. قرارداد کار را یک واقعه حقوقی و به سود دوطرف قرارداد می‌پندارد و جایی برای دخالت‌های نیروی دیگری در بان نمی‌بیند. نغمه‌های لیبرالیسم ناب را، ساز اندیوید والیسم همراهی می‌کند اندیوید والیسم با ساخت هر فرد انسانی به گونه‌ی موجودی با اصالت و بهره‌مند از موهبت عقل، او را در اخذ تصمیم و تعیین راه و رسم زندگی و سرنوشت خویش آزاد می‌خواهد. اندیوید والیسم با پیش کشیدن «اصالت فرد» و «توانائی‌های عقلانی فرد» و تلاش طبیعی هر فرد برای تامین نیک‌بختی خویش «خواست و تصمیم فردی را بسیار محترم می‌گارد. پس خواست و تصمیم فردی که در قرارداد کار آزادانه اعلام می‌گردد و به امضاء می‌رسد، نیز محترم است.

اندیوید والیسم جامعه بشری را ترکیب شده از افراد مستقل و آزاد انسانی می‌بیند و حکومت را جلوه‌گاه قدرتها می‌داند که خواه و ناخواه بر آزادی‌های فردی محدودیت‌های بار می‌کند، از همینرو از دیدگاه اندیوید والیسم، جامعه جلوه‌گاه فضیلت‌های بشری و حکومت مظهر ردای آدمی است. اندیوید

لیبرالیسم ناب، با تکمیل دادن به قدرت تحرک و سرعت تصمیم‌گیری بخش خصوصی و وزن دادن به انگیزه سود رقابت آزاد و آزادی قراردادها را آیمهای مقدس نظام صنعتی اعلام می‌دارد و گذشت از آنها را در هم شکستن حقوق بشری «تلقی می‌کند و می‌خواهد آزادی‌های حقوقی که آزادی قراردادها یکی از اساسی‌ترین آنها است، حاکمیت بی‌تردید و فراگیر بر همه روابط گوناگون مردم بیابد، آزادی قراردادها که خواسته اصلی لیبرالیسم ناب است، به معنای رو در رو گذاردن هر کارگر در برابر کارفرماست. کارفرما و کارگر به عنوان دو ارگان حقوقی آزاد تلقی می‌شوند که حق دارند «آزادانه» زداد کار منعقد کنند، و هرگاه چنین قراردادی «آزادانه» به امضا دو طرف رسید احترام و اجرای آن بر هر دو طرف لازم و قطعی است، لیبرالیسم ناب وارد شدن هر نیروی خارجی را در گفتگوی دو طرف، کارگر و کارفرما خدشهای بر آزادی‌های حقوقی می‌انگارد و از پذیرفتن آن سر می‌پیچد لیبرالیسم ناب با تکیه بر مبانی آزادی‌های حقوقی و مکتب فلسفی اصالت عقل

# استوار باد همبستگی همه نیروهای انقلابی ملت ایران



### حقوق تاریخی ایرانیان در خلیج فارس

بقیه از صفحه ۱

مورخان و جغرافیادانان و سفرنامه‌نویسان از نام‌نشان و رونق اقتصادی و اجتماعی آنها و موقعیت سیاسی و نظامی‌شان سخن‌های فراوان گفته‌اند. مشهورترین آنها در بخش شمالی خلیج (= برالعجم) عبارتند: ( در نزدیکی بصره، مهروبان (= ارجان)، ماسه‌شهر (= معشور)، ریشهر (= نزدیکی بوشهر)، سیراف و طاهری گناوه و بندریک، گمبرون (= بندرعباس) و جزاینها.

و در بخش غربی (الاحساء) نام دارترین بندرها از این قرارند: قلیف، رأس‌التوره، نجمه، خیر، دمام، ظهران و چند قصبه دیگر.

و در بخش جنوبی (= برالعرب) قطر، ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام‌الکویین، رأس‌الخمیه از شهرت بیشتری برخوردارند.

جزیره‌های مهمی نیز در این خلیج قرار دارند که از لحاظ بازرگانی و نظامی و محصولات دریایی با اهمیت قلمداد شده‌اند و سرگذشت تاریخی و چگونگی موقعیت‌های جغرافیایی و طبیعی هر کدام از آنها در پژوهش‌های گوناگون برشته تحریر در آمده است. مهمترین جزیره‌های خلیج فارس عبارتند:

خارک، قشم (= کشم)، کیش (= قیس)، مجمع‌الجزایر بحرین هرمز و لارک و هنگام و چندین جزیره کوچک دیگر چون ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک. \*\*\*

### دریای پارس شعبه‌ای از دریای بزرگ هند است.

یاقوت حموی

از قدیم‌ترین روزگار تا عصر حاضر نامی که بر این خلیج نهاده‌اند با ایران و یا بخشی از آن بنام «پارس» در پیوند بوده است. تنها نامی که پیش از ورود آریاها به «ایرانزمین» در کتیبه‌های آسوریان دیده شده است نام «مروتو» ( بمعنای «رودتخ» می‌باشد که به این خلیج داده شده است و پس از ایرانی شدن فلات و خلیج، هم‌جا تاریخ از «پارسی» بودن «خلیج» حکایت میکند.

- در آثار ایرانیان «دریای پارس» بکار رفته است. - در آثار یونانیان «پرسیکون کالی تاس» (= خلیج فارس) نوشته شده است. - در آثار رومی و لاتینی گاه پرسیکوس سینوس (= خلیج فارس) و گاه آکواروم پرسیکو (= آبگیر پارس) آمده است.

- در آثار اسلامی اعم از عربی و فارسی، نام‌های بحر الفارس، خلیج الفارسی، خلیج المعجمی، دریای فارس خلیج فارس و جز اینها دیده شده‌اند و این امر در سراسر تاریخ اسلامی مشهود است یعنی از نخستین اثر مستند این فقیه بنام مختصر کتاب البلدان در سال ۲۷۹ هجری قمری تا

تا آخرین کتابهای علمی چاپ شده در کشورهای عربی چون (۱۸۸۳) دائره‌المعارف البستانی (میلادی) تاریخ الاسلام سیاسی تألیف دکتر حسن ابراهیم حسن (۱۹۳۵ میلادی)، همه آثار جرجی زیدان و حتی کتابهای درسی مدارس و دانشگاههای دمشق و بیروت و مصر و بغداد.

- در آثار ملت‌های دیگر جهان که زبان آنها در پیوند فرهنگی با یونان و لاتین می‌باشد چون فرانسه و ایتالیا و اسپانیا و هلند و انگلیس و پرتغال و روس، یا جامعه‌هایی که زیر تأثیر

### خاستگاه نخستین دریانوردان جهان خلیج فارس بوده است هرودوت یونانی

یکدوره رقابت میان استعمارگران پرتغالی و انگلیسی سرانجام در سال ۱۶۲۲ میلادی (= ۱۰۳۱ هجری) برچم پرتغال در خلیج فارس برای همیشه فرود آمد و برچم استعمار بریتانیا بالا رفت و بیش از سه قرن زور و چپاول در منطقه حاکم گردید. با اینکه چند حرکت سیاسی در ایران برای ریشه‌کن کردن سلطه بریتانیا در خلیج فارس بظهور رسید و حتی نادرقلی افشار با آزاد کردن سرزمینهای جنوبی خلیج و بنا کردن قلاع محکم نظامی در آنجا از حقوق ملی ایرانیان در منطقه پاسداری نمود و امیر کبیر با عمل به «سیاست موازنه منفی» در برابر استعمار انگلستان مقاومت نشان داد و دسیسه «مبارزه با برده‌فروشی» استعمارگران را رسوا ساخت و نهضت ملی ایران برهبری دکتر مصدق میرفت تا ریشه سلطه بریتانیا را در سرتاسر منطقه نابود کند، اما راستی در این است که سیاست مسلط طی چندین قرن در خلیج فارس توسط انگلیسها تعیین میشد و ایرانیان هر گاه کوچکترین جنبشی از خود نشان میدادند، به سختی سرکوب میگرددند و پایدارترین آنان در زندانهای آفریقای جنوبی و جزیره موریس یا سنامه در بحرین بنزنجیر کشیده میشدند.

اشاره شد که آب‌های خلیج فارس در کرانه‌های آن سبزه‌گون می‌باشد، در حالیکه آب‌های خلیج دیگری در آنسوی عربستان که فلسطین را به باب‌المندب وصل میکند، سرخ بنظر میرسد. هرودت در سال ۴۲۵ پیش

سرچارلز بیلگریو در سال ۱۹۲۶ بسمت کار گزار استعمار انگلستان در خلیج فارس برگزیده شد وی که از

### دریای پارس دریائی پربرکت و سودآور است.

زکریا قزوینی

شاگردان مکتب استعماری سرفرانسیس ارسکین لایخ بود تا سال ۱۹۵۷ در این سمت باقی ماند. این کار گزار استعمار زبان عربی میدانست و به تمام منابع تاریخی به این زبان دسترسی داشت و از آن گذشته بگونه یک پژوهشگر بسیاری از منابع اسلامی ترجمه شده ب زبان‌های اروپایی چون مسالک‌الممالک استخری، صور‌الارض ابن حوقل، احسن‌الستقاسیم فی معرفه الاقالیم مقدسی، مروج‌الذهب مسعودی و جز اینها را باید مورد مطالعه بیفرضانه قرار داده باشد. در نخستین کتاب خود زیر عنوان به بحرین خوش آمدید (چاپ دوم در لندن ۱۹۵۵-۱) نام حقیقی خلیج فارس را بکار گرفته است.

اما این محقق مغرض استعماری در اواخر اقامت خود در خلیج فارس در مقاله‌ای که در مجله «صوت‌البحرین» نوشت برای اولین بار در تاریخ نام مجمول و فتنه‌ساز «خلیج‌العربی» را بکار برد و در کتاب دیگری که در سال ۱۹۶۶ تحت عنوان دزدان دریایی ساحل در لندن انتشار داد آن نام دروغین را در همه صفحات استعمار کرد و بطور تحریک‌آمیزی این نامگذاری را به عربها انتساب داد و با تحریف وقایع تاریخی کوشش کرد تا از ایرانیان «دشمنانی» بسازد که برادران عرب آن‌سوی خلیج از آنان

شدید پیدا کنند بگونه‌ای که سرکوبی ایرانیان را مقدم بر هائی فلسطینی و نابودی صهیونیسم بدانند! متأسفانه قوم‌گرایی و «عصبیت» برخی از محافل ارتجاعی عرب نیز مددکار استعمار گردید بطوریکه

### فاماالبحرالهندي، یخرج منه خلیج الی ناحیه فارس یسمی الخلیج الفارسی.

ابوعلی احمد بن عمر صاحب کتاب تقویم البلدان (۲۹۰ هجری)

اندک اندک این قلب حقیقت و این دروغ بزرگ تاریخی برای سیاستگران وسیله‌ای شد تا بتوانند بتحریكات و دسیسه‌های خود تندی بیشتری بدهند. \*\*\*

در سال ۱۹۷۱ که در اثر فشارهای اقتصادی، دولت استعمارگر انگلستان تصمیم گرفت پایگاه‌های خود را از خلیج فارس

استعمار بریتانیا که یکی از شوم‌ترین واقعه‌های تاریخ است، در رابطه با نظام تفرقه‌اندازی خود بویژه در سالهایی که دیگر نمی‌توانست بطور مستقیم در این منطقه جهان سیادت داشته باشد، داستان تغییر نام خلیج را بوجود آورد. پس از تأسیس کشور ساختگی عراق و روی کار آوردن نظام سلطنت استبدادی رضاخان در ایران،

برچیند، اندیشه پسروروش «ژاندارم»‌های محلی برای حفظ منافع استعماری انگلستان و آمریکا،

بیش از پیش توسعه پیدا کرد و بویژه اینکه جنبش‌های منطقه آن چنان گسترش و نفوذ یافته بودند که منافع کلی امپریالیسم را در معرض خطر قرار میدادند. ملحق کردن بساطت شیخ‌نشین‌های قرون وسطائی بیکدیگر، تقویت نظامی عربستان سعودی و کویت و بکارگرفتن ارتش ایران برای سرکوبی مردم مسلمان بپاخاسته منطقه. ایجاد درگیریهای محلی در خلیج فارس و خاورمیانه سیاستی بود که توسط کارگزاران دو امپریالیسم انگلیس و آمریکا بمرحله عمل درآمد و پس از کودتای بعضی‌های عراق، حکومتگران آن کشور استعمار ساخته نیز در این سیاست جدید شرکت داده شدند. کاربدستان نظام سلطنت استبدادی برای خوش‌آیند مردم ایران و سرپوش نهادن بر تاراجگریهای بیگانگان بظاهر از نام تاریخی «خلیج فارس» دفاع میکردند و دولت‌های دست‌نشانده عربی نیز برای فریب مردم جامعه‌های خود و ارضای احساسات

بیش از پیش توسعه پیدا کرد و بویژه اینکه جنبش‌های منطقه آن چنان گسترش و نفوذ یافته بودند که منافع کلی امپریالیسم را در معرض خطر قرار میدادند. ملحق کردن بساطت شیخ‌نشین‌های قرون وسطائی بیکدیگر، تقویت نظامی عربستان سعودی و کویت و بکارگرفتن ارتش ایران برای سرکوبی مردم مسلمان بپاخاسته منطقه. ایجاد درگیریهای محلی در خلیج فارس و خاورمیانه سیاستی بود که توسط کارگزاران دو امپریالیسم انگلیس و آمریکا بمرحله عمل درآمد و پس از کودتای بعضی‌های عراق، حکومتگران آن کشور استعمار ساخته نیز در این سیاست جدید شرکت داده شدند.

کاربدستان نظام سلطنت استبدادی برای خوش‌آیند مردم ایران و سرپوش نهادن بر تاراجگریهای بیگانگان بظاهر از نام تاریخی «خلیج فارس» دفاع میکردند و دولت‌های دست‌نشانده عربی نیز برای فریب مردم جامعه‌های خود و ارضای احساسات

### خلیج فارس که عربها به آن خلیج عربی میگویند!!

لرد بلگریو مستشار انگلیسی شیخ بحرین

ملی (القومی) و عربی (العروبه) آنان نام ساختگی «خلیج عربی» را بکار می‌بردند و در عین وجود نوعی «جنگ زرگری»، خلیج فارس و هستی اقتصادی آن توسط کشتی‌های امریکائی بغارت می‌رفت. این روش همان بود که امپریالیستها میخواستند و زمینه آنرا تهیه کرده بودند. \*\*\*

باسقوط نظام سلطنتی و خلع‌برد سیاسی استعمارگران از میهن آزاد شده ما و استقرار نظام جمهوری اسلامی، امپریالیست‌های سهامدار در خلیج فارس گمان بردند که می‌شود به شیوه جدیدتری یغماگری خود را ادامه دهند یعنی با ایجاد تحرکات در میان شیخ‌های مرتجع خلیج فارس، تقویت اندیشه ساختگی عربی بودن خلیج، ایجاد تفرقه تحت لوای تسنن و تشیع می‌توانند بی‌آنکه ایران در خلیج خود حضور داشته باشد، بزبان مردم منطقه و در اصل برضد انقلاب اسلامی ملت ایران تصمیم‌گیری نمایند.

دولت عراق که خود در تار عنکبوت تناقض‌ها و تضادها گرفتار شده است به پیروی از همین سیاست

ضد انسانی بیش از دیگر همسایگان خود «آتش بیار معرکه» گردیده است.

کاربدستان ایرانی که در ابتدای استقرار جمهوری اسلامی میتوانستند حقوق ملی ایران را در خلیج فارس زنده کنند و تمام ورق پارهای استعماری شاه مخلوع و دولت‌های او را در رابطه با خلیج فارس بی‌اعتبار سازند و بنام دفاع از حقانیت ملت ایران در خط تجدیدنظر در بسیاری از پیمان‌های بشوند که مغایر با حق حاکمیت ملی ایران تنظیم شده است، مستأسفانه کوتاه آمدند. حتی برخی از مقام‌های رسمی از ترس یا بعنوان «باج دادن» نام خلیج فارس را فقط «خلیج» گفتند و آنچنان در جو تبلیغاتی قرار گرفتند که «مسلمان» ناشده «ایرانی» بودن خود را فراموش کردند!

انقلاب اسلامی ملت ایران برای استقرار عدالت و قسط اسلامی تلاش میکند استقلال ملی و حفظ تمامیت ارضی یک ملت هم‌زمان با دفاع از آزادیهای فردی و اجتماعی، نخستین تحقق عدالت در جامعه است.

ملت انقلابی ایران نمی‌خواهد سرزمینهای مردم دیگر جهان را تصاحب کند، نمی‌خواهد بساطت زور گوئی و سيطرة طلبی بگستراند، نمی‌خواهد ستمگر و ظالم باشد. اما قبول ظلم و ستم نیز اسلامی نیست. یعنی یک مسلمان نباید زیر سلطه هیچ ستمگری قرار بگیرد.

### خلیج فارس که عربها به آن خلیج عربی میگویند!!

لرد بلگریو مستشار انگلیسی شیخ بحرین

خلیج فارس، دریائی است متعلق به ایران. جزایر آن، سکونتگاه ایرانیان است. ذخائر خدادادی آن متعلق به ملت ایران است و همواره چنین خواهد ماند.

برای کسب آگاهی‌های بیشتر به کتابهای زیر رجوع شود. نام خلیج فارس در طول تاریخ نوشته دکتر جواد مشکور تهران ۱۳۵۵ محاکمه خلیج فارس نویسان نوشته دکتر احمد مدنی تهران ۱۳۵۷ دریانوردی ایرانیان نوشته اسماعیل رائین تهران ۱۳۵۰ خلیج فارس نوشته سرآرنولد ویلسون- ترجمه محمد سعیدی- تهران- ۱۳۱۰

سمینار خلیج فارس (۲۴ مهر تا ۲ آبانماه ۱۳۴۱)- زیر نظر انتشارات رادیو.

# فزونتر باد آمادگی ارتش جمهوری اسلامی ایران



# همه بخشهای اقتصادی کشور در سرگردانی بسر میبرند

بودجه سال جاری و عملکرد  
بودجه گذشته را اعلام کنید.

بقیه از صفحه ۱

## اطلاعیه وزارت کار و امور اجتماعی

بدینوسیله با اطلاع کلیه کارکنان واحدهای صنعتی و تولیدی می‌رساند:

با عنایت به درخواست مکرر گروههای کارگری و مدیران واحدهای تولیدی و صنعتی در خصوص تنظیم آئین نامه انضباط کار در کارگاهها وزارت کار و امور اجتماعی در نظر دارد با استفاده از نظریات کلیه کارگران و مدیران واحدهای تولیدی و صنعتی کشور نسبت به تنظیم مفاد آئین نامه مزبور اقدام نماید.

علیهذا از کلیه کارگران و مدیران واحدهای تولیدی و صنعتی و نیز علاقمندان و صاحب نظران تقاضا میشود نظریات خود را در مورد نحوه تنظیم آئین نامه انضباط در محیط کار را کتبا به اداره کل روابط کار صنعتی در وزارت کار و امور اجتماعی ارسال دارند که پس از بررسی نهائی و تهیه فرم آئین نامه جهت استفاده در اختیار کلیه واحدهای صنعتی قرار گیرد.

### آگهی حصر وراثت

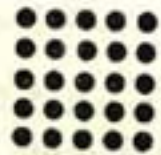
بجای روزنامه جبهه ملی خانم صقیه موسوی نیارکی بشناسنامه ۷۱ - شرح دادخواست کلاسه ۱۳۶۴/۵ این شعبه توضیح داده شادروان ذبیح اله صادقی نیارکی بشناسنامه ۹۰۲ در تاریخ ۵۸/۹/۲۸ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضیه همسر دائمی و غلامرضا بشناسنامه ۳۱۶۳ پسر و فاطمه بشناسنامه ۲۲۲۵ و افسانه بشناسنامه ۳۰۱۳ و زهره بشناسنامه ۶۷۲۴۸ و مدینه بشناسنامه ۴۷۸۱ و رقیه بشناسنامه ۴۹۷۷ دختران و ثریا خانم بشناسنامه ۹۰۱ مادر شهرت همنگی صادقی نیارکی میباشد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکبار در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم والا گواهی صادر نخواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

دادرسی شعبه اول دادگاه صلح تهران عبائی  
م- الف ۲۳۸۱۵

### روبرو بودیم اینک همگان

از یکدیگر می‌پرسند که برابر آگاهی‌هایی که دست‌اندرکاران حکومت در آغاز پیروزی انقلاب دادند، کشور مبلغی حدود نه میلیارد دلار اندوخته ارزی داشت و بنا به گفته آگاهان، درآمد ارزی سال گذشته حدود بیست و دو میلیارد دلار بوده است ولی در پایان سال گذشته اعلام شد که اندوخته ارزی ما، پانزده میلیارد دلار است به این ترتیب رقمی در حدود شانزده میلیارد دلار از دریافتی ارزی کشور به مصرف رسیده است همگان بسیار اشتیاق دارند که چگونه و چرا زمان و موارد مصرف این مقدار بزرگ درآمد ارزی را بدانند آگاه ساختن همگان از این نکته دارای اهمیت درجه اول است و نیز بسیار لازم می‌باشد که توضیح داده شود درآمدهای عمومی چه مبلغ و از چه محل‌هایی و هزینه‌های عمومی چه میزان و در چه زمینهایی بوده است گفتنی درباره بودجه بسیار است ولی سخن را کوتاه می‌کنیم و به انتظار دریافت گزارشهای کامل بودجه می‌مانیم تا با ملاحظه آنها گفتگوی خود را دنبال کنیم.



دشواری‌هایی روبرو هستیم و انتظار داریم که در بودجه تنظیمی برای از میان بردن دشواریها در حد ممکن - هدف گیری شده باشد. باید همگان آگاه شوند که در پایان سال و پس از اجرای بودجه تنظیمی چه شمار شغل تازه در چه زمینه‌ها و در چه سطح‌هایی پدید خواهد آمد پیش‌بینی کنندگان بودجه از لحاظ تأثیر آن بر سطح قیمتها چه می‌باشد چه شمار واحد مسکونی در سال اجرای بودجه ساخته خواهد شد در کجا و از چه نوعی چه شمار مدرسه تازه و کلاس تازه پدید خواهد آمد چه شمار بیمارستان تازه ساخته خواهد شد چه اندازه زمین زیر کشت خواهد رفت و چه چیز کاشته خواهد شد چه شمار کارگاه تازه و در چه رشته‌های پایه هستی می‌گذارد و چه شمار آموزگار و پزشک و پرستار و مانند آنها به خدمت خوانده خواهند شد و همه مردم انتظار دارند که از هدفهای اجرای بودجه آگاهی حاصل کنند و بسیار مشتاق هستند که بدانند با ارجای بودجه تنظیمی در پایان سال چهبره اقتصادی اجتماعی ایران چگونه پیش‌بینی می‌شود آگاهی بر این نکتهها برای همه کسانی که در زمینه‌های اقتصادی کار می‌کنند بسیار لازم است حتی برای یک نفر هم که در جستجوی کار است این آگاهی‌ها بسیار مفید خواهد بود زیرا به او فرصت می‌دهد تا خود را برای کار در یکی از زمینه‌هایی که در حال پدید آمدن است آماده کند سواد اینها پیشرفت نظام اقتصادی نظام اجتماعی جمهوری اسلامی ایران اقتصادی آن را دارد که هدفهای قابل پیش‌بینی به طور دقیق مشخص و پیگیری شود.

### گزارش عملکرد سال گذشته

هر بودجه به همراهی خود می‌باید گزارش روشن و گویایی از روند اقتصادی - اجتماعی سال - گذشته به دست دهد همگان می‌خواهند بدانند در سالی که گذشت چه پیروزیهای اقتصادی - اجتماعی حاصل آمد چه برداشتهایی از منابع کشور شد چه اندازه پیشرفت داشتیم و با چه دشواریها

یا دستکم در تصویب نهایی آن باید از همه امکاناتی کشور بهره گرفت از اینرو آگاه ساختن از متن کامل بودجه پیش از آن که به تصویب نهائی برسد، کاری است بسیار لازم و نیز در همه جا رسم چنین است و در ایران هم چنین بوده است، که بودجه را بعد از تهیه و به هنگام ارائه به ارگان تصمیم گیرنده نهائی به آگاهی همگان می‌رسانند تا در زمینه بهتر کار کردن ترکیب هزینهها و درآمدها چنانچه کسی نظر یا پیشنهادی دارد ارائه نماید. ولی امسال بودجه را بی آگاهی همگان، و بی هیچ توضیحی برای مردم کشور به نهاد تصمیم گیرنده تسلیم کرده‌اند. دلیل این کار، ناشناخته است و هیچ دلیلی را هم بر پنهان نگذاشته‌اند بودجه از مردم نمی‌توان پذیرفت، بودجه کشور، سرنوشت مردم و سرنوشت کشور را معین می‌دارد چرا باید مردم از آن بی‌خبر بمانند ما نزد خود چنین می‌اندیشیم که می‌توانیم دستکم در ترکیب هزینهها و چشمه‌های درآمد کشور نظرهائی شایسته و سازنده ابراز داریم ولی فرصت این اظهار نظر از ما گرفته شده است ادعای این را نداریم که نظریات ما درست و کارساز می‌توانسته باشد ولی ادعای این را داریم که اگر از متن کامل بودجه آگاه میشدیم آن را به دقت واری می‌کردیم و نتیجه‌های این واری را در اختیار تصمیم گیرندگان می‌گذاشتیم تا هر گونه درست و شایسته باشد تصمیم بگیرند.

حزب ما سالها در پهن دشت ایران تلاش کرده و آگاهی‌ها از گوشه و کنار کشور دارد و این آگاهی‌ها می‌تواند در سازندگی ایران شریک باشد چرا بودجه یکی از اصلی‌ترین کارهای کشور است چرا این کار اصلی کشور را پنهان از دیدگان مردم انجام دهید. چه در بودجه نهفته است که افشای آن را مناسب نمی‌شناسید جای آن است که متن بودجه تهیه شده را به آگاهی برسانید و از آنان نظرخواهی کنید.

### هدفهای بودجه

بودجه می‌باید بر اساس برآورد هدفهای اقتصادی اجتماعی مشخص نوشته شود و می‌باید این هدفها به آگاهی همگان برسد. اینک ما با

بیش از این تلاش کنند و اثرهای ناگوار این دیر کرد را با تلاش بیشتر از میان بردارند. یکی از اساسی‌ترین اثرهای ناگوار دیر کرد در تهیه و تصویب بودجه فراهم نیامدن به هنگام طرحها است به طور آشکار فراهم آمدن طرحهای اجرائی موکول به تصویب و ابلاغ بودجه است و اگر بودجه تصویب و ابلاغ نشده باشد، کار به دست سازمانهای اجرائی نخواهند توانست طرحهای سازمان خود را تهیه کنند پس سازمان برنامه و بودجه که عهده دار رسیدگی به طرحها و هماهنگ ساختن آنها است باید با سرعتی بیش از اندازه عادی، زمینه لازم برای تهیه و تصویب طرحهای آبادانی و پیشرفت را فراهم آورند. اندک سستی در این زمینه، موجب آن خواهد بود امسال، طرحهای پیشرفت به اجرا در نیاید.

در بخش‌های بزرگی از میهن ما، آب و هوا چنان است که بیشتر کارهای آبادانی می‌باید در نیمه سال صورت گیرد و برای آغاز کردن کار می‌باید بودجه و طرح به تصویب رسیده و اعتبارهای لازم تخصیص یافته باشد و برای اینکه یک فصل کار از دست نرود می‌باید همه این مقدمه‌ها پیش از پایان یافتن زمستان فراهم شده باشد، بدانسان که با برآمدن آفتاب نوروزی پیشرفت و سازندگی سال آغاز شود ولی اکنون هیچکدام از این مقدمه‌ها فراهم نیامده و طبیعی است که سازندگی و پیشرفت به دیر می‌افتد ولی اگر در فراهم آوردن این مقدمه‌ها باز هم سستی شود، به طور قطعی امسال نیز کاری صورت نخواهد گرفت یا دست کم کاری متناسب با امکانات کشور صورت نخواهد گرفت و در هر حال سرنوشت آبادانی و پیشرفت که بخش بزرگی از سرنوشت کشور است به تیرگی خواهد گرایید. برای آنکه از تیرگی سرنوشت کشور پیشگیری شود، می‌باید سازمان برنامه و بودجه، پویایی شگرفی از خود نشان دهد. و گر نه مسوولیتی بزرگ بر شانه‌های او خواهد بود.

### آگاه ساختن همگان

گفته شد بودجه کشور، آئینه تمام نمای حیات اقتصادی کشور است در تهیه

هر بودجه با عبارت و رقم‌های خود برنامه اقتصادی کشور را در دوره عملکردش روشن می‌سازد و آگاه همه مردم و همه بخشها، بر اساس آنچه بودجه تعیین کرده است، به تلاش برمی‌خیزند. این اصل درباره کشور ما در زمان حاضر پیش از هر کشور در هر زمان راستی دارد. بودجه ما رقمی پیرامون دوسوم درآمد ملی را در خود نهان دارد، شاید هم بیشتر. از آنجا که درآمد فعلی ما و عناصر سازنده آن، بدرستی معین نیست، نمی‌توان با دقت بسیار درباره آن و ناگزیر باید از رقم‌ها به گونه‌ای نزدیک به رقم اصلی یاد کرد آن گاه که بودجه در برگیرنده بیش از شصت درصد درآمد ملی است، پس حیات اقتصاد ملی کشور آشکار به بودجه وابسته است. و در دست نداشتن بودجه همچنان که گفتیم به معنای تعطیل حیات اقتصادی است.

بر اساس این نقش حیاتی بودجه است که قرار شده بودجه هر سال، پیش از آغاز آن سال تنظیم و تصویب شود. کار به دستانی که بودجه کشور را تنظیم می‌کنند می‌باید دست کم سه ماه قبل از پایان سال بودجه را تهیه و به ارگانهای تصمیم‌گیری بدهند. تا این ارگانها، به دستیاری کارشناسان، فرصت رسیدگی و تصمیم‌گیری داشته باشند ولی بودجه امسال کشور چنین نشده است یا بودجه به هنگام تنظیم و ارائه نگردیده و یا ارگانهای تصمیم‌گیری نسبت به آن تصمیم نگرفتند، اما آنچه از قرینه‌ها دریافت میشود آن است که کاربدستان نتوانستند بودجه را در هنگام تنظیم و ارائه کنند و از اینرو اینک کشور از داشتن بودجه نظم یافته و تعیین کننده تلاشهای اقتصادی سالانه، بی‌بهره است. ایران اکنون بودجه ندارد و برای گذراندن کارهای کشور به رویه نادرست تصویب و اجرای یک دوازدهم رو آورده است.

کاربدستان و تهیه کنندگان بودجه هیچ بهانه‌ای برنرسانیدن بودجه به هنگام نمی‌توانند بیاورند آنان بی‌هیچ تردید و بی‌هیچ پرده پوشی در کار خود ناموفق بوده‌اند و جای آن است که

# ملی کردن بازار گانی خارجی را باز پس نیاندازید



**دگرگونی نظام آموزشی، به حرکت های ضد دانشجویی نیاز ندارد**

حزب ملت ایران با توجه به وضع حساس کشور، نقطه نظرهای خود را پیرامون بحرانی که پدید آمده است و می تواند مورد بهره برداری دشمنان انقلاب قرار گیرد، اعلام میدارد:

دگرگونی در نظام آموزشی عالی کشور به شکلی که با جدول ارزشهای انقلاب اسلامی ملت ایران، سازوار شود و همه نشانه های فرهنگ استعماری از آن زدوده گردد، ضرورتی است قطعی.

این دگرگونی بنیادی همواره خواست اصلی دانشجویان بوده است که در دوران سازندگی انقلاب، دست اندر کاران حکومت در پدید آوردن بهنگام آن کوتاهی و ناتوانی داشته اند و بهانه تراشیهای کنونی، هرگز خطاهای گذشته را جبران نمی کند.

ساختن ها و وسیله های کار دانشگاهها و مدرسه های عالی، دارایی ملی است که تنها باید برای پیشرفت آموزش مورد بهره برداری قرار گیرد و هیچ حزب یا فرقه یا حتی انجمنی حق ندارد بخشی از آنرا به خود اختصاص دهد و اگر اکنون بعضی از سازمانهای سیاسی یا انجمن ها در مرکزهای آموزشی دفتر یا چنانچه گفته شده است «ستاد عملیاتی» دارند، باید هر چه زودتر به وسیله خود آنها برچیده شود.

برای انجام چنین کاری، حتی در صورت پاره ای ایستادگی ها، نیاز به بسیج همگانی و نیروکشی نیست و استادان و گردانندگان دانشگاهها و مدرسه های عالی می توانند با راهنمایی های لازم همهی دشواری های احتمالی را از میان بردارند.

گفت و شنودهای مرامی و سیاسی در فضای دانشگاهها و مدرسه های عالی جای ارزنده ای دارد و

جلوگیری از آن نه لازم است، نه سودمند و نه ممکن. برخورد اندیشه ها و رایها را در کانون های آموزشی باید نوعی کار آموزشی تلقی کرد و هرگز نباید برای آن حصری پدید آورد.

چنین برخوردهایی در پرورش فکری و اخلاقی جوانان بی اندازه ترمبخش است.

دگرگونی نظام آموزشی عالی نمی تواند از دگرگونی هایی که باید در نظام اداری، بنیادین نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه انقلابی ما پدید آید، جدا باشد و باید به وسیله دارندگان تخصصی و با نظر خواهی از پژوهشگران، استادان و دانشجویان انجام گیرد.

درهای مرکزهای آموزش عالی باید بر همهی فرزندان ایران گشوده گردد و راه شکوفایی همه استعدادها، باز باشد و میزان های جدید پذیرش دانشجویان می بایست با چنین هدفی تعیین گردد.

**دانشجویان عزیز:**

با چنین دیدگاههایی حزب ملت ایران به شما فرزندان گرامی میهن یاد آور می شود که همه نابسامانی های کنونی چنانچه وحدت انقلابی شما حفظ شده بود و نیروهای انحصار طلب و اخلاک گر، فرصت صف آرایسی نمی یافتند، هرگز پدید نمی آمد.

اکنون شما باید با شکیبایی و آگاهی از هر گونه درگیری که دست آویز دخالت های بیجا گردد، دوری جوئید.

شورای انقلاب نوید داده است که روز سه شنبه دوم اردیبهشت ماه، مرکزهای آموزشی، کار عادی را از سر خواهند گرفت و شما می توانید از آن روز دست در دست

هم با برقراری یک نظم انقلابی از حرمت دانشگاهها و مدرسه های عالی خود پاسداری کنید. هنوز زمزمه هایی بگوش می رسد که از توطئه های بزرگتر، یعنی تعطیل کردن مرکزهای آموزش عالی برای مدت دراز، حکایت می کند و اگر چنین زشتکاری انجام شود، بی شک دوران سازندگی انقلاب اسلامی ملت ایران را با خطری جدی روبرو خواهد کرد.

حزب ملت ایران به دست اندر کاران حکومت هشدار می دهد که هرگز گرد چنین برنامه نسنجیده ای نگردند و از همه دانشجویان با هر اندیشه و وابسته به هر سازمانی که هستند، می خواهد هشیارانه، خود را آماده خنثی کردن هر گونه توطئه ای در این زمینه سازند.

امروز ایران با دسیسه های گوناگون دشمن روبرو می باشد و همچنانکه یکتا رهبر انقلاب - امام خمینی - همواره گفته است «وحدت» پایندان نگهداشت همه دستاوردهای ملت ماست.

اکنون چند پارچگی در میان شما دانشجویان که پیوسته پیشقراول پیکارهای میهنی بوده اید، دور نمای نگران کننده ای را در برابر دیدگان همهی وفاداران به انقلاب قرار داده است.

بیانید یکبار دیگر برای زنده داشت وحدت عمل انقلابی خود، همه با هم کوشش کنید و برای همیشه نفاق افکنان را به ورطه ی نومیدی بیفکنید.

**سی و یکم فروردین ماه ۱۳۵۹ دبیرخانه حزب ملت ایران**

**آگهی حصر وراثت**

بجای روزنامه جبهه ملی

آقای علی اصغر فصیح روشنندل به شناسنامه ۱۳۲ صادره تجریش بشرح دادخواست کلاسه ۵۸-۴۷-۴۱۵۰ این شعبه توضیح داده شادروان سیفاله فصیح روشنندل شناسنامه ۳۵۹۳۲ صادره تهران در تاریخ ۵۸/۹/۱۳ در محل اقامتگاه خود شمیران فوت نموده و حین الفوت ورثه وی عبارتند از سه پسر باسامی ۱- متقاضی ۲- علی اکبر فصیح روشنندل شناسنامه شماره ۳۹۶۶۶ صادره از شمیران ۳- علیرضا فصیح روشنندل شناسنامه شماره ۲ صادره از حوزه ۲ شمیران و سه دختر باسامی ۱- عذرا فصیح روشنندل شناسنامه شماره ۴۶۰۹۸ صادره از حوزه ۸ تهران ۲- کبری فصیح روشنندل شناسنامه شماره ۱۳۸۷ صادره از حوزه ۵ تهران ۳- شمس فصیح روشنندل شناسنامه شماره ۴۰۵ صادره از حوزه یک تجریش و یک همسر دائمی بنام زهرابیم شمس لوسانی شناسنامه شماره ۴۳۷ صادره از حوزه ۹ تهران و غیر از نامبردگان فوق ورثه دیگری ندارد.

**رونوشت آگهی حصر وراثت**

بجای روزنامه جبهه ملی

آقای کاظم عمیدی دارای شناسنامه شماره یک صادره از حوزه ۲ گرمسار فرزند علیرضا از این دادگاه در خواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که علیرضا عمیدی فرزند حبیباله در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲ در گرمسار اقامتگاه دائمی خود بدروند زندگی گفته ورثه آن مرحوم منحصر است به ۱- متقاضی ۲- حمید عمیدی به شناسنامه شماره سه صادره از حوزه ۲ گرمسار (پسران متوفی) ۳- محبوبه عمیدی به شناسنامه شماره ۳ صادره از حوزه ۵ گرمسار ۴- معصومه عمیدی به شناسنامه شماره ۱۰۶ صادره حوزه یک گرمسار ۵- زهرا عمیدی شماره شناسنامه ۲ صادره از حوزه ۵ گرمسار ۶- سوسن عمیدی به شناسنامه شماره چهار حوزه ۱ گرمسار (دختران متوفی) ۷- اختر نظری به شناسنامه شماره ۱۹ صادره از حوزه یک گرمسار (عیال دائمی متوفی) به غیر از نامبردگان وارث دیگری نداشته و ندارد.

**بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت**

بجای روزنامه جبهه ملی

آقای سید محمد میر صالحی بروجنی به شناسنامه ۱۳۸۳ به شرح دادخواست کلاسه ۵۸/۵۸-۷۰۵ این شعبه توضیح داده شادروان آقای طبا میر صالحی بروجنی به شناسنامه ۲۹۴۹ در تاریخ ۵۷/۷/۴ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی و سید محمود به شناسنامه ۲۶ و سید احمد به شناسنامه ۲۸ سید ابوالقاسم به شناسنامه ۲۰۳۴ و سید حسین به شناسنامه ۳۸۳ و سید حسن به شناسنامه ۷ پسران و فاطمه به شناسنامه ۶۵۸۸۹ و زهره سادات به شناسنامه ۲۲۲۹۶ دختران شهرت همگی میر صالحی بروجنی و عفت قاسمیان بروجنی به شناسنامه ۵۵۳ همسر دائمی

**بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت**

بجای روزنامه جبهه ملی

خانم زهرا سلطان - نقشه کش به شناسنامه ۲۰۸ مشهد به شرح دادخواست کلاسه ۳۵-۵۸-۷۶۲ این شعبه توضیح داده شادروان بابا حسین وطن دوست شیروان به شناسنامه ۲۹۹۳ در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۹ در گذشته ورثه آن مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر عیال دائمی متوفی ۲- محمد به شناسنامه ۷۶ صادره از مشهد ۳- مجید به شناسنامه ۳۱۲ صادره از مشهد ۴- محمود به شناسنامه ۲۷۰ صادره از مشهد فرزندان آن مرحوم شهرت همگی وطن دوست شیروان ورثه دیگری ندارد.

**آگهی حصر وراثت**

بجای روزنامه جبهه ملی

آقای گارنیک کاراپت پیروم طوماس با وکالت آقای رازمیک ماردریوسیان به شرح دادخواست کلاسه ۳۷۹۵/۵۸- این شعبه توضیح داده شادروان لوساپرالک ساندیریان به شناسنامه ۱۷۹۰ در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۶ در گذشته وارث منحصر به فرد او عبارتند از درخواست کننده گارنیک کاراپت پیروم طوماس به شناسنامه شماره ۳۹۹۴۹ شوهر آیون طوماس به شناسنامه شماره ۱۰۱ و اریک طوماس به شناسنامه شماره ۶۴۵ پسران آن مرحومه میباشند.

**بجای روزنامه جبهه ملی آگهی حصر وراثت**

بجای روزنامه جبهه ملی

آقای علی اکبر اطمینان بوکالت از بانو منیژه دانشور به شرح دادخواست کلاسه ۲۸۶۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان جمشید ایمانی لیل آبادی به شناسنامه ۳۰۱ در تاریخ ۵۸/۸/۳ در گذشته ورثه وی عبارتند از آزیتا ایمانی لیل آبادی به شناسنامه ۷۰۰ و رکسانا ایمانی لیل آبادی به شناسنامه ۶۰۸ دختران و منیژه دانشور به شناسنامه ۲۹۳ همسر دائمی و جبران عباس پیروم سیاوشی به شناسنامه ۱۱۸۱۲ مادر و ستار ایمانی لیل آبادی به شناسنامه ۲۳۴ پدر متوفی (ضمناً همسر متوفی حامله میباشد).

لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

مستشار شعبه ۳۲ دادگاه عمومی تهران: سازگاری ۳-۲ م- الف ۲۲۰۳۵

لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف م- الف ۲۲۰۳۸ ۳-۲

لذا مراتب سه نوبت ماهی یک مرتبه در روزنامه رسمی و محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

رئیس شعبه اول دادگاه صلح تهران: قاسم عبائی ۳-۲ م- الف ۲۲۰۴۰

**آرمان ملت**  
ارگان حزب ملت ایران  
دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمی  
زیر نظر شورای نویسندگان  
شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی  
خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷  
صندوق پستی ۱۱۵۷ - ۳۱۴

**آگهی حصر وراثت**  
خانم فاطمه زاهدی به شناسنامه ۴۸۵ به شرح دادخواست کلاسه ۶۴۷/۵۸ این شعبه توضیح داده شادروان مهدی فهیمی پیروز به شناسنامه ۵۴۷ در تاریخ ۱۳۵۶/۸/۷ در گذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی همسر دائمی و بتول فهیمی پیروز به شناسنامه ۱۹۷ و نینا فهیمی پیروز به شناسنامه ۲۵۵ دختران متوفی.

**نظم و کار، پایندان پیروزی دوران انقلاب سازندگی انقلاب**



# تناقص گوئی رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین

## آب به آسیاب دشمن ریختن وداعیه دوستی داشتن

در کنفرانس ملی عرب که از تاریخ پنجم تا هشتم فروردینماه در بغداد برگزار گردید، ناگهان هایل عبدالحمید مشهور به ابوالهول یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین در گفتار خود خواستار بازگرداندن حاکمیت عربی سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی شد. روز پنجشنبه چهاردهم فروردینماه از بخش فارسی رادیو

اسرائیل این خبر انتشار یافت که حاکم امارات متحده عربی طی مصاحبه‌ای در هفته‌نامه الهدف چاپ کویت گفته است: «ایران طی نمسال آینده سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی را که در زمان شاه پیشین تصرف کرده است. به امارات متحده عربی پس خواهد داد.

با اعتراض وزارت خارجه

ایران و توضیح خواستن وزیر خارجه از سازمان آزادیبخش فلسطین، به‌امداد روز پنجشنبه‌های الحسن رئیس دفتر این سازمان در تهران، به دیدار وزیر خارجه رفت و سپس

در مصاحبه‌ای با خبرگزاری وفا، سخنان ابوالهول را که ادعا داشت بوسیله‌ی خبرگزاری‌های خارجی تحریف شده است، بطور ضمنی

تکذیب و اعلان کرد «ایران و انقلاب فلسطین در آستانه‌ی ورود به مرحله مشترک و جدی و مهم در کلیه زمینه‌ها هستند و ملت بزرگ ایران می‌داند که انقلاب فلسطین دوست بسیار صادق انقلاب ایران به رهبری امام خمینی است».

درست در همین روز خبر و حرکتهای ضدایرانی که دولت بعثی عراق آغاز کرد، سعدون حمادی، وزیر خارجه این دولت، طی نامه‌ای به کورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد، خواستار خروج نیروهای نظامی ایران از سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی و خلیج فارس شد.

جالب توجه است که افزایش تیرگی روابط ایران و عراق مورد انتظار یاسر عرفات، رئیس نامدار سازمان آزادیبخش فلسطین بوده است زیرا دوروز قبل از گسترش دامنه‌ی تحریک‌های دولت بعثی عراق، ضمن مصاحبه‌ای با روزنامه الخلیج چاپ شارجه اظهار داشته بود «ما دوستان زیادی در انقلاب ایران و روابط محکمی با عراق داریم».

ما آماده‌ایم که از تمام قدرت خود برای حل هر مسأله‌ای که ممکن است بین دوستان بوجود آید استفاده کنیم!!

همزمان با این زمزمه‌ها، کارتر ضمن اعلام قطع رابطه سیاسی با ایران، خاطر نشان ساخت که «ایالات متحده هر تهدیدی را بر منافع حیاتی خود در خلیج فارس با ابزار مورد نیاز، از جمله نیروی نظامی پاسخ خواهد داد و افزود که مجازات‌ها را که تاکنون بر علیه ایران بکار برده شدت خواهد بخشید»!

در همین روز نوزدهم فروردینماه روزنامه الابناء چاپ کویت از قول صالح خلف ملقب به ابویازد عضو دیگر کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین می‌نویسد و حتی شنیده است

هانی الحسن اظهارات ابوالهول یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین را در کنگره خلق در بغداد پیرامون حاکمیت اعراب در سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی تکذیب کرده، کاملاً شگفت‌زده شده است.

تناقض‌های آشکاری که در مدت زمانی کوتاه پیرامون حق حاکمیت ملی ایران در گفتار و نوشتار عضوهای برجسته سازمان آزادیبخش فلسطین دیده میشود مفهومی جز زدوبندهای پنهانی و تأسف‌بار نمی‌تواند داشته باشد.

دریغ که آوارگی و هر چند صیاح در سرزمینی به سفره‌ای میهمان شدن، و مبارزه را در چارچوب گفت و شنود و زدو بند انجام دادن خوی ثانوی برخی از این داعیه‌داران پیکارهای آزادیبخش شده است!!

مردم ایران نه تنها در نظام جمهوری اسلامی که در سال‌های سیاه اختناق نیز از هیچ کوششی برای پشتیبانی از مردم زیر سلطه‌ی فلسطین و رهایی آنها از جنگ صهیونیست‌ها دریغ نورزیده‌اند و جوانان پرشور ما در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب، ابراز علاقه‌ی رهبران سازمان الفتح بویژه یاسر عرفات را پاسخ مثبت دادند و در حالیکه هنوز جنگ سرزمین خودما پایان نگرفته بود راهی نبردی تازه شدند و آنچه در بساط داشتند، در طبق اخلاص نهادند.

بدینسان تکلیف ایرانیان با مردم ستمدیده و آواره‌ی فلسطین روشن بوده و هست ولی آنچه باید برای همیشه از پرده‌ی اسامی درآید، رابطه‌ی انقلاب اسلامی ملت ایران با رهبران سازمانهای سیاسی فلسطین می‌باشد.

میهن ما در نبرد سرنوشت، رودروای امپریالیسم آمریکا و دست‌نشانندگان آن قرار گرفته است و از دیدگاه مردم ایران، دولت نژادگرای بعث جز وسیله‌ای در دست ابرقدرت آمریکا نیست و از آغاز انقلاب نیز از دست زدن به هیچ توطئه‌ای کوتاهی نکرده است ولی آنها که خود را دوستان انقلاب ما می‌دانند، بایستی موضعشان را بطور قاطع روشن کنند.

رهبران سیاسی فلسطینی باید برای همیشه بدانند که نمی‌توانند هم دست در دست دولتهای ارتجاعی و دست‌نشانده‌ی عرب داشته باشند و هم خود را دوستدار انقلاب اسلامی ملت ایران جلوه دهند.

نظام جمهوری اسلامی، با زیاده‌ی سیاسی را فرصت آن نمی‌دهد که به تاخت به گوشه‌های از سرزمین یا بخشی از مردم ایران بیانجامد.

برای زدوبندها و دوحست و دوزهای پنهانی که در اساس به سود ابرقدرتها شکل میگیرد، در ایران انقلابی دیگر جایی باقی نمانده است. برای ملت بپاخاسته ایران، دوران نبرد رودرو فرارسیده است. در چنین دورانی دوستی‌ها و دشمنی‌ها، بناچار باید قاطع و روشن باشد.

همکار عزیز آقای خسرو فریزندی

با اندوه فراوان در گذشت مادر گرامیتان را تسلیت می‌گوئیم.

کارکنان روزنامه آرمان ملت

اگر اروپای غربی گوشه‌ای از مقاومت ویتنام یا ایران را در برابر رایش مردم نشان داده بود، آقای ترومن هرگز جرئت نمی‌کرد که خود را به طور رسمی «راهبر» آنها معرفی کند. اروپای غربی درگیر ساختن مصرفی اروپای غربی قاعده‌های دیپلماسی معینی بر آنها باز می‌کند آنها نخواسته‌اند در پایند که نظام دیپلماسی و همه پندارهای سیاسی ایشان تابعی از تغییر ساختن مصرفی آنان است. و با رهاکردن آن ساخت مصرفی، هیچکس ناگزیر از قبول آن پندارهای سیاسی نیست. ویتنام و ایران گرفتار چنان ساخت مصرفی نیستند، پس لزومی ندارد که قاعده‌های سیاسی و دیپلماسی اروپای غربی را بپذیرند و به کار بندند.

اروپای غربی هنوز هم آسیا را در نیافته است. اروپا که در یک دوره کوتاه با بهره‌گیری از تکنولوژی تازه بر آسیا ستم کرد نمی‌تواند ظرفیت‌های به‌تازگی آسیا را در حسابهای خود جا دهد.

انگلیسها ضرب دست ایران، فرانسوی‌ها مشت گره کرده ویتنام، هلندیها نهیب مردم اندونزی را حاد نه پنداشتند و هرگز آن را تا ریشه دنبال نکردند و سرانجام نتوانستند دریابند که همه این پهلوانی‌ها از یک پایگاه و ریشه تاریخی سرچشمه میگیرند.

این پایگاه و این ریشه تاریخی قدرتهای شگرف اخلاقی مردم آسیا است. غرب در حسابهای سیاسی و نظامی خود نتوانسته است و نمی‌تواند برای قدرتهای اخلاقی حسابی منظور کند. ایران بیش از یکبار قدرت اخلاقی خود را به اروپای غربی نشان داده است. و این بار می‌رود که ضرب شست خود را به همه غرب بچشانند. اینک یکبار دیگر توانایی‌های اخلاقی ملت ایران به جوشش درآمده است. ملت ایران بعد از جنگ دوم جلوه‌هایی از مناسبات اقتصادی استعمار را در هم شکست، اینک می‌خواهد همه مناسبات استعماری را درهم شکند. ملت ایران می‌خواهد روابط ملتها را بر پایه جدول ارزشهای جدید قرار دهد و هر پایگاه دیگر این روابط را ویران سازد.

غرب و بویژه اروپای غربی باید بدانند که همه حسابهای سیاسی و اقتصادی او در مبارزه با ملت ایران نادرست است. همه حسابهای آنها در چارچوب تنگ اقتصاد مصرف است و قدرت اخلاقی ایرانیان به آسانی این چارچوب را درهم دریده است.

میهن ما از متن اقتصاد مصرف خارج شده و آماج ضربه‌های دشمن را از میان برداشته است.

امپریالیسم آمریکا از ضربه زدن بر اساس و جوهر انقلاب ایران عاجز است. ضربه آن بر چارچوب مصرف فرود می‌آید. این چارچوب از این سرزمین برافتاده است امپریالیسم آمریکا به تھی ضربه می‌زند و ساعد خویشتن رنجه می‌دارد. ما آماجی برای این ضربه‌ها باقی نگذاشته‌ایم. اروپای غربی باید از گذشته بیاموزد باید درس‌هایی را که در ایران و هند و ویتنام و اندونزی گرفته است یکبار دیگر مرور کند. صحنه نبرد را واریسی نماید و نیروهای دوطرف مبارزه را با زسنجد و سرانجام غرب باید دریابد که نیروهای اقتصادی و سیاسی نمی‌توانند نیروهای اخلاقی را از میدان بتاراندند.

قدرت اخلاقی ما، در باورهای ما، و در تاریخ ما جای دارد. باور ما و تاریخ ما از مایه‌های گرانقدر انسانیت و محبت سرشار است. ما به طلب ارزشهای انسانی خود برخاسته‌ایم. ما چون اروپای غربی بعد از جنگ تشنه دلار نیستیم. کم خوردن و کم پوشیدن در سرشت ماست. ما به مصرف افتخار نمی‌کنیم. ما خشت در زیر سرور تارک هفت اخترهای داریم. ما در دوستی ایثار داریم. ما حکایت مهر و وفا خواندیم. ما سرستیز نداریم ولی اگر آنها به ستیزه برخیزند «گواینک تن و اینک سر». ما میخواهیم رنگ بردگی را از جهان بشوییم. ما در این سودا به هوای سود نیامده‌ایم. ما آماده دوستی هستیم ولی فراماتبری را ورق بزیند

## دوستی یا بردگی

بقیه از صفحه ۱

را به زاید‌های از ماشین بزرگ سیاسی نظامی- اقتصادی امریکا تبدیل کرد. اروپای غربی که از تجربه پیمان بروکسل در مارس ۱۹۴۸ ناکام شده بود و پریشانی بسیار اقتصاد خود را می‌دید برای آخرین بار در کنفرانس پاریس در ۱۹۴۸ کوشید که هویت مستقل و سیاست و اقتصاد مستقل خود را بازیابد و از هردو مرکز قدرت جهانی کناره گیرد ولی واقعیت‌های دردناک اقتصادی آنان را از این اندیشه دور کرد و چه زود از آرزوهای بزرگ خود بازگشتند. اروپای غربی بسان عقابی پشیمانی از اوج آهنگ برگشت کرد و کسوت‌وار به دانه‌چینی از خسوان احسانهای اقتصادی امریکا پرداخت. یعنی به نقشه مارشال تسلیم شد و بازسازی اقتصاد خود را به تصمیم و محبت امریکا وا گذاشت.

اروپای غربی با امضای پیمان اتحاد اتلانتیک در آمد تا آنجا که آقای ترومن رئیس جمهور آمریکا در اشاره غیرمستقیم به اروپای غربی اعلام داشت «ما پیروزیهای بزرگی بدست آورده‌ایم، در داخل و خارج مرزهایمان همه به ما می‌نگرند. ما پیروزی‌هایی بدست آورده‌ایم که دیدگان همه را خیره کرده است همه به ما می‌نگرند و به ما متکی هستند و از ما می‌خواهند که آنان را در استقرار دموکراسی یاری دهیم. ما باید مسئولیت راهنمایی و پیشبرد سایر کشورها را برعهده بگیریم» سایر کشورهای مورد نظر آقای ترومن، اروپای غربی بود و گرنه در مورد کشورهای جهان سوم نیازی به گفتگو نبود. این کشورها از دیرباز زیر

نفوذ و سلطه اروپای غربی قرار داشتند و با از هم پاشیدن قدرت سیاسی اروپای غربی، خود به خود به نفوذ و سلطه قدرت فائق جهان درآمده بودند. اروپای غربی همه معیارهای کلاسیک دیپلماسی خود را یکباره فروهشت و راهنمایی‌های ایالات متحده را به عنوان چراغ راهسپاری خود در جهان پذیرفت. اروپای غربی که همه دارو ندار خود را برای درهم شکستن «مدیریت جهانی» رایش سوم از دست داده بود ناگزیر مدیریت تازه را بر خود باز کرد. تولید مصرف اروپای غربی مانند دیپلماسی آن در راهی که ایالات متحده نشان می‌داد آغاز حرکت کرد اروپای غربی بی‌خویشتن شده بود. دادخواهی دوگل دوباره به حکومت رسیده در دادگاه تاریخ برای او از هویت مستقل فرانسه با همه شوکتی که حاصل آورده بود چیزی از اصل پیروی نکاست. بانکداران مدیران و تکنولوژیست‌های فرانسه به همان راهی می‌رفتند که ایالات متحده نشان می‌داد فرانسه در بیم از زنده شدن قدرت اقتصادی آلمان به محبت انگلستان پناه می‌برد و از هراس فزون طلبی انگلیسها به پشتیبانی دیگر کشورهای اروپای غربی امید می‌یست. پیچ و تاب فرانسه دیری نپائید. فرانسه هم ناگزیر در مجموعه نظام جدید قرار گرفت.

نظام جدید سیاسی و اقتصادی اروپا توانایی‌های جهان سوم را در حسابهای خود وارد نکرد و جز دو مرکز بزرگ قدرت در جهان نیروی دیگری سراغ نگرفت. قاره اروپا که قرن‌ها جهان دوم را مکیده بود هرگز نمی‌توانست برآمدن و توانا شدن این کشورها را پیش چشم آورد. تلقی اروپا از جهان سوم، تلقی ناب مستعمراتی بود. اروپا از قدرت آسیایی خبر مانده بود، و در این طرف بیخاها، قدرتی تصور نمی‌کرد در حالی که آسیا آشکارا نظام جهانی بعد از جنگ دوم را تحمل نکرد نه همان که کشورهای بزرگ آسیا بلکه کشورهای کوچکتر این قاره نیز در برابر قدرتهای حاکم سر به عصیان برداشتند. شجاعانه‌ترین عصیان آسیا مقاومت‌های جانانه مردم شبه‌جزیره هندوچین و ایران بود.

اروپای غربی که یکروز در زیر چند صد تانک رایش سوم ذلیل شده بود باور نمی‌کرد که مردم ویتنام مهیب‌ترین بمباران‌های تاریخ را از سر بگذارند و تواناترین نیروی نظامی جهان را رسوا و سرفاکنده بتاراندند.

# زمین و آب باید ملی‌گردد و به خانواده‌های کشاورز سپرده شود



## نامه‌های رسیده

پس از انتشار نخستین شماره آرمان ملت، نامه‌های بسیاری از خوانندگان گرامی روزنامه و هواداران حزب به ما رسید که نشان توجه و مهر آنهاست. شورای نویسندگان برای حفظ و گسترش این رابطه، تصمیم به گشودن ستونی ویژه گرفت و از این پی نظرها و خواسته‌های درست خوانندگان گرامی آرمان ملت در این ستون انعکاس می‌یابد.

## آقای محمدی از کرج می‌نویسد

سر دبیر محترم  
از آنچه در باره نحوه پاکسازی ادارات منرقوم داشته‌اید متشکرم. تشکر من فقط برای آن نیست که شورای محترم انقلاب باتصویب آئین‌نامه جدید حقوق افراد پاکسازی شده و فرزندان بیگناه آنان را پرداخت نماید، چه معتقدم روزی رسان خدای بزرگ است. تشکر من بخاطر حفظ ایران عزیز است زیرا معتقدم هر چه تضادها و عدم همانگی در این برهه از زمان در داخل مملکت زیادتر شود بهمان نسبت دشمن انقلاب از آن بهره بیشتر می‌گیرد.

من به عنوان یک ایرانی مسلمان و متعهد تقاضا دارم شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ فرمایند که کمیته‌های پاکسازی باوجه به دسورات الهی بجای تزکیه جسم به تزکیه روح و نفس پرداخته و به افرادی که پس از پیروزی انقلاب در صف مخالف نبوده و بیاضد انقلاب همکاری نداشته‌اند، این فرصت داده شود که بتوانند به ایجاد وحدت ملی علیه امپریالیست‌های شرق و غرب کمک دهند.

## آقای رضا احمدی امیری می‌نویسد

مدیر محترم روزنامه آرمان ملت.  
مدتها بدنبال انقلاب اسلامی چنین تصور می‌شد که این نهضت بزرگ مردم ما از «ایرانی» بودن بدور مانده است و خدای ناکرده منافع ملی جامعه ما را فراموش کرده است و عناصر ضدانقلاب نیز این امر دروغ را تبلیغ و ترویج می‌کردند.

خوشبختانه روزنامه آرمان ملت به نقش خائنان به انقلاب پایان داد و آشکار ساخت که انقلاب اسلامی ما هم دارای آرمانهای مذهبی است و هم در فرهنگ و تمدن ایران ریشه دارد و اصولاً این دو از یکدیگر جدا نیستند. خواهشمند است تیریکات اینجانب را بپذیرید و باور کنید که ملت ایران از کوششهای شما قدردانی می‌کند.

## خانم مهین قنبرزاده می‌نویسد:

## روزنامه گرامی آرمان ملت

من یک فرهنگی هستم که نه از بد حادثه، بدلیل نبودن هیچ نوع ضابطه‌ای در تعیین محل کار، باید راه بسیاری طولانی بین خانه و مدرسه‌ام را هفته‌ای پنج روز طی پنج روز طی کنم. متأسفانه در این سفر روزانه، هر روز شاهد بدتر شدن وضع بهداشت و نظافت شهر هستم، کابوس تابستان و هوای دم کرده‌ی تهران و وفور مگس و سوسک و پشه و بوی گند خون خشک شده و پوست گوسفند و جای شما خالی نباشد زباله‌های پخش و پلا شده مرا وادار کرد با روزنامه آرمان ملت که شاید تنها روزنامه‌ای است که نه در خدمت ضد انقلاب است، نه وسیله‌ی توجیه ندانم کاریها و اقتضاحات مدیران جامعه و تنها در خط حقیقت نویسنده‌گانش قلم می‌زنند، این درد را در میان بگذارم. اگر اوایل انقلاب، گاه بیگاه در جنوب شهر مردم کمبود گوشت را با خرید گوسفند و کشتن آن در خیابان جبران می‌کردند حالا دیگر سراسر شهر درختها آویزگاه گوسفندان تازه ذبح شده‌ی خون چکان هستند. بازار مگس‌ها هم رواج فراوان دارد و جالب اینکه امسال از مگس‌های هر ساله خبری نیست و از برکت کثافت‌های شهر به بزرگی زنبور شده‌اند. شهردار هم که خدا را شکر مشغول جنگ‌های خصوصی است و کاری به شهر و امر نظافت آن ندارد. هر چهار راهی مخزن جمع‌آوری زباله شده و فرودگاه انواع حشرهای زشت و چندش آور، چمن و چمن کاری هم که جزو کارهای طاغوتی بحساب می‌آید و بهمین دلیل نباید حرفی از آن زد. بوی لجن جوی‌ها هم این مجموعه را کامل کرده. شما را بخدا بمن جواب بدهید که منزل آقای شهردار کجاست؟ آیا با هلیکوپتر به دفتر کارش می‌رود که هیچ خبر از شهر ندارد و یا او را به سبک ساواک چشم بسته از خیابان‌ها عبور می‌دهند!! اینهمه بی‌کارتی در شهر می‌گردند، اینهمه جوان از بی‌کارتی و نومیدی به اعتیاد رو کرده‌اند و رنگ و رو باخته و لوزان، آفتاب می‌گیرند، آنوقت خیابان‌ها صدرحمت به بیابان. بودجه که داریم، آدم که داریم پس معلوم است آنچه نداریم مدیر است نه مدیر انقلابی، مدیر آریامهری هم دیگر نداریم.

## از خبرهای هفته

که نکردند!!! و اکنون تعجب‌آور می‌باشد که از اعتراض آنها خبری نیست!!

## دانشگاه تبریز در هفته گذشته بصورت نیمه تعطیل درآمد.

بدنبال درگیریهای شدیدی که بین دو گروه از دانشجویان دانشگاه تبریز به هنگام سخنرانی حج‌تالاسلام هاشمی‌رفسنجانی در دانشگاه تبریز پدید آمد منجر به بهم خوردن جلسه سخنرانی و شکستن درب و پنجره‌های تالار اجتماعات و سپس تصرف ساختمان مرکزی دانشگاه تبریز وسیله گروهی از دانشجویان شد و در این دانشگاه فعالیتهای آموزشی تعطیل گردید.

شورای دانشگاه و هیئت علمی طی اعلامیه‌ای اعمال هر نوع سیاستی را که منجر به تعطیل دانشگاه و زکود فعالیتهای آموزشی گردد محکوم کرده و معتقد است برای برگزاری سخنرانیها و اجتماعات باید قبلاً از شورای دانشگاه کسب مجوز شود که این نوع درگیریها بوجود نیاید و همچنین سخنرانی در دانشگاه در انحصار گروه خاصی نباشد حقیقتاً دانشگاهها در سی و پنج سال گذشته سنگر مبارزات آزادیخواهان بر علیه نظام پوسیده و رژیم منفرود گذشته بودند و بخصوص در ده سال اخیر رسالت تاریخی خود را بنحو احسن بانجام رسانیدند، شایسته است که فضای دانشگاه از گزند حوادث و فرصت طلبان در امان باشد.

## جلوگیری از ورود ستونهای ارتش به شهر سنندج

ستونهای نظامی ارتش که برای اجراء برنامه‌های آموزشی و رفتن به قرارگاههای نزدیک مرز از کرمانشاه عازم سنندج بود در آستانه ورود به این شهر توسط گروههای خاصی با روش جدیدی به مانع برخورد و نتوانستند پادگان بروند با اینکه از قبل در این مورد اطلاعاتی منتشر شده بود ولی گروههای مزبور دست بانتشار شایعاتی زدند که مسئله تفویض یگانهای نظامی در بین نیست و قصد سرکوب مردم در میان است و در داخل شهر اقدام به ایجاد سنگرها کرده و در خیابان ورودی شهر عده‌ای را روی زمین نشانده و حرکت نیروهای ارتش را مانع گردیدند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی با صدور اعلامیه‌ای خاطر نشان ساخت چنانچه هر چه زودتر راه‌بندان مزبور در مسیر راه ارتش خاتمه نیابد عواقب این نوع مزاحمت و تحریکات که توسط ضدانقلاب بوجود آمده بعهدہ مسبین آن خواهد بود! جای تعجب است کسانی که مدعی هستند حاضرند در کنار ارتش جمهوری اسلامی بر علیه مهاجمان خارجی بجنگند به کارهایی دست می‌زنند که شباهت زیادی بر رفتار ستون پنجم بیگانگان در ایران دارد و مانع انجام وظیفه ارتش که حفظ امنیت و دفاع از مرزهای کشور میباشد میگردند!

## اشتباه صدا و سیمای ایران نابخشودنی است!!

هفته گذشته فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران طی مصاحبه‌ای در سیمای جمهوری اسلامی ایران، مطالبی را عنوان نمود که چیزی جز اسرار نظامی ایران در منطقه غرب کشور نبود از جمله استقرار نیروها و حتی تعداد نفرات پاسگاهها را هم بسادگی و راحتی اعلام داشت ولی در جمع روشن نشد هدف ایشان از این مصاحبه جز خودنمایی چه بود؟! در نتیجه دشمن آگاهی بیشتری یافت و بخصوص آنکه مصاحبه کننده اعلام داشت ما از موقعیت و وضع دشمن مطلع هستیم و این فرصت بدشمن داده شد که بتواند در آرایش نیرویها مرزهای خود تجدیدنظر کند! پس از پخش این مصاحبه وزیر خارجه بشدت به آن اعتراض نمود ولی جالب‌تر اینکه صدا و سیمای ایران شب بعد برنامه‌ای همانند آن را پخش نمود و ثابت کرد که همه در حفظ اسرار جنگی شایسته و کوشا هستند!!

## درگیری شدید ارتش با گروههای مسلح در دره قاسملو.

یک ستون نظامی از لشکر ۱۶ زرهی قزوین که برای برقراری امنیت در منطقه و حفظ مرزهای کشور عازم مرز ایران و عراق بود، در دره شیخاله یار و دره یونج که از شعبات دره قاسملو میباشد ناجوانمردانه مورد تهاجم گروههای مسلح ضد انقلاب واقع و در نتیجه چند افسر و درجه‌دار شهید میگردند. موقعیت خاص این سه دره بنحوی است که پناهگاه گروههای مسلح وابسته به حزب دموکرات کردستان میباشد، با اینکه رهبران این حزب و سایر گروههای سیاسی از جمله دکتر عبدالرحمن قاسملو اعلام داشته‌اند که ارتش را مسئول حفاظت مرزها می‌دانند و دفاع ملی مربوط بدولت مرکزی است چگونه گروههای مسلح در حالیکه ارتش دولت عراق هر روز بر آمادگی خود میافزاید از پشت به ارتش جمهوری اسلامی ایران خنجر می‌زنند؟!

## تعیین حداقل دستمزد و حق مسکن کارگران.

وزارت کار و امور اجتماعی با انتشار اعلامیه‌ای حداقل دستمزد و حق مسکن کارگران را به نسبت ۱۲ درصد دستمزد و ۲۰۰۰-۳۰۰۰-۴۰۰۰ ریال حق مسکن برای کارگران مجرد متاهل بدون فرزند متاهل با فرزند تعیین و بتصویب شورای انقلاب نیز رسانید. امید است که این افزایش پاسخگوی نسبی نیاز آنان باشد و در عین حال جای یادآوری است، سال گذشته را که وزارت کار و امور اجتماعی با تصویب شورای عالی کار با افزایش دستمزد اقدام نمود که برای کارگر ایرانی حداقل معیشت را تأمین نمایند، سرمایه‌داران ایران و شخصیتها و حزبهای هوادار آنها یکبار در تمام سطوح قیام نمودند و ورشکستگی اقتصاد و تورم آن چنانی را هشدار دادند و برآستی چهما

## دوستی یا بردگی

تاب نمی‌آوریم.  
اروپای غربی باید به خود آید و از آنچه بر خود آنان رفته است پند بگیرند. و از ستیزه با مآدر گذرند و بدانند که در مناسبات جهانی افق‌های تازه گشوده شده است و به سودایشان است که سیاست و اقتصاد خود را بر اساس شناخت این افق‌های تازه بنا نهند. افق تازه‌ای که ایران در مناسبات جهانی گشوده است، افق روابط انسانی و افق برابری و دوستی ملتها است. هر تلاش برای درهم پیچاندن این افق تازه بی‌حاصل و شاید هم زیانبار خواهد بود. دنیای آینده دنیای مناسبات استعماری نیست.

اروپای غربی نباید همه حسابهای خود را در گرو سلطه آمریکا قرار دهد. اروپای غربی باید هویت مستقل خود را دریابد، سیاست و اقتصاد خود را بر احترام و اساس تفاهم با همه ملتها استوار سازد. اروپای غربی باید از ستیزه با ملت ایران درگذرد. اروپای غربی به جای آنکه به ستیزه با ما برخیزد باید از آنچه در ایران گذشته است پند بگیرد و یسکباره از بسند فرمانبرداری آمریکا خود را رها کند.

دنیای ما و دنیای آینده، دنیای دوستی است نه دنیای بردگی. ما برای دوستی آماده‌ایم اما ننگ بردگی را دیگر به گردن نخواهیم گرفت، گورزاده‌های سیاسی هم باید قد بکشند و قامت افزازند و این چنین دلیل در چنگال آمریکا درنمانند.

## گرامی باد یاد سردار شهید جمهوری اسلامی ایران

با آنکه یکسال از شهادت نخستین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تیمسار سپهبد ولی‌الله قهرانی می‌گذرد و رویدادهای بزرگ و کوچک بر مین ما گذشته ولی هنوز اثر این اولین ضربه‌ی تلخ بر بیکر جوان جمهوری از یادها نرفته است. چه بسیار بودند روزها و لحظه‌هایی که در برابر ندانم‌کاری، سستی و عدم شناخت درست از موقعیتها و سرانجام تصمیم‌گیری‌های زشت با خود گفتیم جای قرن‌های خالی یکسال گذشت، قاتلان قرن‌ها به کفر این خیانت رسیدند ولی بی‌گمان آنها که او را از نزدیک می‌شناختند و با اندیشه‌های آشنا بودند، از یاد نبردند که در دوران سازندگی انقلاب و بویژه هنگامی که اثرات نبود مدیریت شایسته را در تمامی رکن‌های کشور شاهد هستیم حضورش چنان می‌توانست کار ساز باشد.

خاطره‌ی او که نامش با خط سرخ شهادت بر تاریخ رقم خورد گرامی باد.

نظام آموزشی عالی کشور را با جدول ارزشهای انقلاب ساز و آرا کنید